

حاجت

شماره ۱۳۵
هفته نامه
سراسری

• یکشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲
• سال چهارم • شماره ۱۳۵
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

در جمع دادستان‌های عمومی و انقلاب، نظامی و ویژه روحانیت مطرح شد
**تاکید رییس قوه قضاییه بر چگونگی استفاده از
تاسیسات ارفاقی و بازدارنده بودن احکام**

حجت‌الاسلام منتظری:

دادستان‌ها در مسائل امنیتی به روز باشند

صفحات ۳ و ۲

اولین شماره حامی عدالت ۲۸ اردیبهشت اولین سال قرن منتشر شد

سه سال گذشت

امروز با شماره ۱۳۵ با ورود به چهارمین سال انتشار با شما هستیم

هفته نامه سراسری
شماره ۱۳۵
۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲

اتحاد ملی

این شوکه‌خو، پیام وحدت و انسجام در داخل را دارد...

هفته نامه سراسری
شماره ۱۳۵
۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲

تاکید رئیس دستگاه فضا بر فراختاری بودن تبلیغات سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

مهم‌ترین ویژه به دستگاه‌های فرهنگی و هنری

هفته نامه سراسری
شماره ۱۳۵
۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲

کالت ۹۹

آزمون مبتدیان و معارف

قوانین

کدام کودکان نیست

هفته نامه سراسری
شماره ۱۳۵
۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲

درخشش میزان روح الله در مجمع بین‌المللی

در مجمع بین‌المللی

هفته نامه سراسری
شماره ۱۳۵
۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲

#جان‌فدا

حکمت سلیمانی؛ نشانه راه انقلابی

هفته نامه سراسری
شماره ۱۳۵
۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲

مجازات‌های اخیری

توسط قوه قضاییه برای یک با قدرت و درگیر است؛ انجام شود

هفته نامه سراسری
شماره ۱۳۵
۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲

ترک فعل

با عدم اجرای تکالیف واضح دستگاه‌ها

هفته نامه سراسری
شماره ۱۳۵
۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲

فراتر و صمیمانه‌تر

بیک زندانی محکوم به اعدام توسط رئیس قوه قضاییه

هفته نامه سراسری
شماره ۱۳۵
۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲

رویداد تصمیم‌سازان آینده

مانیفست نوبت قضایی

هفته نامه سراسری
شماره ۱۳۵
۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲

مشهد مقدس

میزبان و مشاوران خانواده ورزشکار

هفته نامه سراسری
شماره ۱۳۵
۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲

ترک فعل

با عدم اجرای تکالیف واضح دستگاه‌ها

هفته نامه سراسری
شماره ۱۳۵
۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲

مرکز کلا، خانواده شاخص سرمایه انسانی

توسعه کشور و دفاع از حقوق مردم هستند

در بیست و سومین همایش دادستان‌های عمومی و انقلاب، نظامی و ویژه روحانیت سراسر کشور مطرح شد

تاکید رییس قوه قضاییه بر چگونگی استفاده از تاسیسات ارفاقی و بازدارنده بودن احکام



باید اجتناب کنیم؛ باید همواره این سوال را از خود مطرح کنیم آیا امکان آن وجود ندارد که دشمن در بین خود ما اختلاف بیفکند؟

رئیس عدلیه گفت: دشمن با تمام توان مشغول دروغ‌پراکنی و سیاه‌نمایی و تحریف است؛ حال در این وضعیت وظیفه و مسئولیت ما چیست؟

رئیس قوه قضاییه اظهار داشت؛ در مورد قوه قضاییه نقد، اعتراض یا حمله میشود، اعتراض و انتقاد گاهی در قالب نقد بر ضعفی است؛ ما بارها اعلام کرده‌ایم که از نقد سازنده و خیرخواهانه استقبال کرده و درصدد رفع ضعف‌ها و کاستی‌های خود برمی‌آییم؛ اما گاهی هم حمله‌هایی که در قالب نقد علیه قوه قضاییه مطرح می‌شود با واقعیت همخوانی ندارند و تحریف و تخریب محسوب می‌شوند.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای ادامه داد: در مواردی، ضعف‌ها و مشکلات در دستگاه قضایی ناشی از اشکالات موجود در یک ساختار یا تشکیلات است؛ تجربه نشان داده است که برای رفع این قبیل مشکلات باید به جای ایجاد ساختارها و تشکیلات موازی، به تقویت آن ساختار و تشکیلات دارای اشکال و ضعف بپردازیم و با هم‌افزایی و کمک یکدیگر در دستگاه قضایی، بدون آنکه ذره‌ای در فکر تضعیف یکدیگر باشیم به برطرف کردن نقاط ضعف مبادرت ورزیم.

■ انتقاد رییس قوه قضاییه از بازدارنده نبودن برخی احکام

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در ادامه سخنان خود در همایش دادستان‌های سراسر کشور با تبیین و تشریح دایره اعمال تأسیسات ارفاقی در قبال محکومان و زندانیان، بیان داشت: بسیاری از مجازات‌های مقرر شده در قوانین، تعزیری هستند و برای آن‌ها «اقل» و «اکثر» لحاظ شده است؛ در این قبیل موارد، دست قاضی باز است و می‌تواند چنانچه مجازات «اقل» کارساز و بازدارنده نیست، مجازات «اکثر» را اعمال کند؛ در مواردی نیز به اقتضای شرایط و یا شایسته‌ی ارفاق بودن محکوم، باید مجازات «اقل» را تجویز کرد.

رئیس قوه قضاییه افزود: اکنون که در سال ۱۴۰۲ قرار داریم، مسئول قضایی ذیربط ما باید جمیع شرایط و اقتضانات را لحاظ کند و ضمن اهتمام کامل به موازین و اصول قانونی، بداند که کجا و در قبال چه محکوم و جرمی باید از تأسیسات

در مورد قوه قضاییه نقد، اعتراض یا حمله میشود، اعتراض و انتقاد گاهی در قالب نقد بر ضعفی است؛ ما بارها اعلام کرده‌ایم که از نقد سازنده و خیرخواهانه استقبال کرده و درصدد رفع ضعف‌ها و کاستی‌های خود برمی‌آییم؛ اما گاهی هم حمله‌هایی که در قالب نقد علیه قوه قضاییه مطرح می‌شود با واقعیت همخوانی ندارند و تحریف و تخریب محسوب می‌شوند.

در جامعه پیرامون یک سوژه است؛ در برخی موارد، راهبرد دشمن ایجاد اختلاف میان مسئولان است؛ در مواردی نیز راهبرد دشمن متمرکز بر ایجاد اختلاف میان مسئولان و مردم است؛ حال سوال اساسی آن است که باید در مقابله با این راهبردهای دشمن، چه تمهیدات و تدابیری را اتخاذ کرد؟ رئیس عدلیه ادامه داد: ما باید در وهله اول، به بیانات امام و مقتدای خود توجه کرده و شرایط کشور را درک کنیم و بدانیم که مسئله اصلی و اولویت‌دار کشور، مسئله اقتصادی است؛ چنانچه مشکلات اقتصادی مرتفع نشود به تبع آن، مسائل و مشکلات فرهنگی و اجتماعی و امنیتی ایجاد می‌گردد و به دنبال این امر، بر حجم پرونده‌های قضایی نیز افزوده می‌شود.

رئیس دستگاه قضا با اشاره به سازوکارهایی که برای غلبه بر مسائل و مشکلات اقتصادی ایجاد شده، مشخصاً به تشکیل شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا اشاره کرد و گفت: متأسفانه شورای مزبور با توجه به اختیارات و ظرفیتهایی که داشت، نتوانست به نحو مطلوبی عمل کند؛ لذا باید نواقص و کاستی‌های موجود در امر تجمیع قوا و هماهنگی‌ها، برای غلبه بر مسائل و مشکلات اقتصادی مرتفع گردد.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای بیان داشت: همه مسئولان و دستگاه‌های ذی‌ربط کشور، در امر غلبه بر مسائل و مشکلات اقتصادی باید با تمام قوا ورود داشته باشند؛ ما نیز در قوه قضاییه ضروری است که بدانیم چه کارهایی را در رابطه با موضوع فوق‌الذکر باید انجام دهیم و از چه کارهایی

رئیس قوه قضاییه گفت: دشمنان برای پیشبرد توطئه‌ها و نقشه‌های خود روش‌های مختلفی را به کار می‌بندند؛ در برخی موارد، راهبرد دشمن ایجاد اختلاف میان مردم و دوقطبی‌سازی و چندقطبی‌سازی در جامعه پیرامون یک سوژه است؛ در برخی موارد، راهبرد دشمن ایجاد اختلاف میان مسئولان است در مواردی نیز راهبرد دشمن متمرکز بر ایجاد اختلاف میان مسئولان و مردم است.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای، طی سخنانی در بیست و سومین همایش دادستان‌های عمومی و انقلاب، نظامی و ویژه روحانیت سراسر کشور در مشهد مقدس، با بیان اینکه دادستان‌ها در صف مقدم رسیدگی به مسائل کیفری هستند، اظهار کرد: ما در جایگاهی حقوقی قرار داریم که می‌توانیم از طریق این جایگاه به نحو احسن به مردم، نظام و کشور خدمت کنیم و در مسیر آرمان‌های والای انقلاب اسلامی و ستاندن حق مظلوم از ظالم، گام برداریم.

رئیس دستگاه قضا در ادامه با تبیین و تشریح مسئولیت‌های ذاتی و قانونی قوه قضاییه و دادستان‌ها، تصریح کرد: ما باید بررسی کنیم که آیا در اموری نظیر ایجاد امنیت اعم از روانی و فیزیکی، دفع شر و اشرار، استیفای حق، راست کردن کچی‌ها، جلوگیری از ایجاد کچی‌ها و ... نقش‌آفرینی اثرگذار داشته‌ایم یا خیر؟ اگر پاسخ منفی است باید ببینیم ضعف‌ها و نواقص کجاست و مجدانه در جهت رفع آن‌ها اقدام کنیم.

رئیس قوه قضاییه در ادامه با اشاره به جنگ ترکیبی و همه‌جانبه‌تحمیل شده از ناحیه دشمنان، بیان داشت: هدف اصلی دشمنان مقابله با نظام اسلامی و ولایی ما است. رئیس عدلیه در ادامه با اشاره به ضرورت مراقبت کامل از نفوذ شیطان و شیطان‌صفتان گفت: گاهی یک فرد گمراه و اهل ضلالت، خود را در صف افراد مؤمن قرار می‌دهد؛ در این قبیل موارد باید نهایت هوشیاری و تدبیر را به خرج دهیم.

■ تلاش دشمن برای دوقطبی‌سازی در بین مردم

رئیس قوه قضاییه با اشاره به هدف دشمن برای تحت فشار قرار دادن و ضربه زدن به اقتصاد کشور و معیشت مردم گفت: دشمنان برای پیشبرد توطئه‌ها و نقشه‌های خود روش‌های مختلفی را به کار می‌بندند؛ در برخی موارد، راهبرد دشمن ایجاد اختلاف میان مردم و دوقطبی‌سازی و چندقطبی‌سازی

ارفاقی بهره بگیرد؟ در چه مواردی حکم به جزای نقدی دهد؟ این حکم به جزای نقدی دادن، به چه صورت و کیفیت باشد که بازدارندگی ایجاد کند؟ کدام دسته از محکومان می‌توانند مشمول عفو قرار گیرند و کدام دسته نمی‌توانند؟ رئیس دستگاه قضا در ادامه ضمن تبیین و تشریح اقداماتی که دادستان‌ها در سراسر کشور در راستای تحقق شعار سال و کمک به رشد تولید و مهار تورم می‌توانند انجام دهند، گفت: دادستان‌های سراسر کشور مقوله «تأمین امنیت سرمایه‌گذاری» و «حمایت از چرخه تولید و اشتغال» را مجدانه پیگیری کنند و با فعالان اقتصادی و تولیدی جلساتی را برگزار کرده و در صدد رفع مشکلات آن‌ها برآیند؛ همچنین در قبال آن دسته از فعالان اقتصادی و تولیدی که اتهامی متوجه آن‌ها می‌شود، نهایت تدبیر را به خرج دهند که در اثر این انتساب اتهام، فعالیت تولیدی و اشتغالی آن‌ها مخدوش نشود؛ شاید در همه موارد نیازی به ممنوع‌الخروج و ممنوع‌المعامله کردن یک فرد متهم نباشد؛ در همه موارد نیاز

به صدور قرار بازداشت متهم نیست. قاضی‌القضات در ادامه گفت: دادستان‌ها و مسئولان ذی‌ربط قضایی در رسیدگی و تکمیل پرونده‌های ناظر بر موضوعات اقتصادی و تولیدی از نقطه‌نظرات و مساعدت‌های متخصصین مربوطه بهره بگیرند تا رسیدگی به این قبیل پرونده‌ها توأم با سرعت و دقت و جامع‌نگری باشد. رئیس عدلیه در ادامه با اشاره به مقوله احیای حقوق عامه و وظایف و مسئولیت‌های قوه قضاییه در تحقق این مهم گفت: مسئولان قضایی مربوطه به ویژه دادستان‌ها به این مهم توجه داشته باشند که در قضیه احیای حقوق عامه، ما نمی‌توانیم جایگزین دستگاه اجرایی شویم؛ در مبحث حقوق عامه هر جا که برای آن متولی تعیین شده، باید متولی را وادار به انجام وظیفه کنیم. برای مثال اگر در حوزه‌ای، متولی مربوطه محیط زیست است و وظایف آن حوزه معطل مانده است، ما باید به سراغ مسئول مربوطه برویم؛ ما در دستگاه قضایی نباید همه جا متولی امر شویم بلکه باید متولیان امر را از مجرای قانونی

و ادار به انجام وظایف و مسئولیت‌های خود کنیم.

■ ماموریت به معاونت حقوقی قوه قضاییه در مورد تدوین قانون در حوزه ترک فعل

رئیس قوه قضاییه در پایان با تبیین و تشریح مقوله ترک فعل مسئولان گفت: باید توجه داشت که همه ترک‌فعل‌ها، جرم تلقی نمی‌شود؛ البته ترک‌فعل‌هایی که ناشی از کوتاهی است در دایره جرم» یا «ضمان» می‌گنجد، اما در مواردی نیز یک ترک‌فعل نه ناشی از «نخواستن» بلکه ناشی از «نتوانستن» و امکان نداشتن محقق شدن آن تکلیف دستگاه مربوطه است؛ به طور کلی ما در این قضیه نیاز به اصلاح قانون داریم که این ماموریت به معاونت حقوقی داده شده است دادستانی کل کشور نیز در این خصوص کمک کند، اما تا قبل از اصلاح قانون باید خودمان توجه کنیم که برخی عبارات و واژگان مبهم و دارای چندین مصداق را گسترش ندهیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین منتظری در جمع دادستان‌های عمومی و انقلاب، نظامی و ویژه روحانیت:

دادستان‌ها در مسائل امنیتی به روز باشند

با کسانی که در فضای مجازی امنیت مردم را هدف قرار می‌دهند برخورد خواهیم کرد

است و برای مقابله با دشمن باید به این موضوع بیش از گذشته پرداخته و آن را مورد توجه قرار دهیم.

وی ادامه داد: در مقوله تامین امنیت، موضوع این است که ما باید به همه مسائل روز که جامعه به آن مبتلا است اشراف داشته و ارتباط خود را با دستگاه‌ها و نهادهایی که وظیفه رصد مسائل را دارند بیشتر کنیم و لذا دادستان‌های ما باید خود را در خصوص تمام مسائل امنیتی به روز نگه دارند. وی گفت: یکی از مساعدت‌های ما در حوزه اقتصاد، اقداماتی است که در چند سال اخیر قوه قضاییه ورود کرده و مانع تعطیل شدن بنگاه‌های اقتصادی متعددی شده است و بحمدالله در این سال‌ها توانسته ایم کمک‌های زیادی را به بخش خصوصی و دولتی داشته باشیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین منتظری در ادامه به موضوع فضای مجازی و تامین امنیت روانی مردم هم اشاره کرده و گفت: همانگونه که مقام معظم رهبری فرمودند تامین امنیت روانی مردم یکی از مصادیق حقوق عامه است و اکنون بخش زیادی از امنیت روانی مردم در فضای مجازی شکل می‌گیرد و ما باید به درستی این فضا را مدیریت نماییم تا امنیت روانی مردم مخدوش نگردد.

حجت‌الاسلام والمسلمین منتظری افزود: دادستان وظیفه دارد اگر امروز مسئله‌ای در فضای مجازی پیچید و منتشر شد بلافاصله آن موضوع را پیگیری کرده و به دنبال مستندات آن باشد و اگر فردی بدون مبنا و سند حرفی را زد و جامعه را ملتهب و امنیت روانی را مخدوش کرد نباید از آن گذشت کرد. باید با این مسائل برخورد کرده و آن‌ها تحت تعقیب قرار بگیرند و البته اگر هم مستندات ادعایی خبر موجود بود باید در جهت رفع نقص برآییم.

وی خاطر نشان کرد: حتماً صیانت از آرامش روانی جامعه جزو وظایف ما می‌باشد و فراهم شدن بستر آرامش روانی مردم در این است که با مغلان آن بلافاصله و در کمترین زمان برخورد شود. دادستان کل کشور عنوان داشت: مسئله دیگری که در کارگروه‌ها به آن پرداخته شد بحث حمایت از تولید است. شما دادستان‌ها باید مستمراً به بنگاه‌های تولیدی و مراکز اقتصادی حوزه خود سر بزنید و اجازه ندهید کارخانه و یا کارگاهی تعطیل شده و فردی از کار بیکار شود. وی در بخش دیگری از اظهارتش بیان داشت: برخی از اشکالات برای مرتفع شدن نیاز به قانون دارد و برخی هم با آیین نامه و دستورالعمل برطرف می‌شود. دادستان کل کشور تصریح کرد: اگر خواهان تحول و تعالی هستیم باید دادسراهای ما متحول گردد.



دادستان کل کشور گفت: دادستان وظیفه دارد اگر امروز مسئله‌ای در فضای مجازی پیچید و منتشر شد بلافاصله آن موضوع را پیگیری کرده و به دنبال مستندات آن باشد و اگر فردی بدون مبنا و سند حرفی را زد و جامعه را ملتهب و امنیت روانی را مخدوش کرد نباید از آن گذشت کرد و البته اگر مستندات ادعا موجود بود باید در جهت رفع نقص پیش رویم. به گزارش مرکز رسانه قوه قضاییه، حجت‌الاسلام والمسلمین منتظری در بیست و سومین همایش دادستان‌های عمومی و انقلاب، نظامی و ویژه روحانیت که در مشهد

مقدس برگزار شد، با بیان اینکه مسائل روز جامعه ایجاب می‌کند که سه کارگروه تخصصی در همایش دادستان‌های عمومی و انقلاب، نظامی و ویژه روحانیت تشکیل شوند گفت: کارگروه اول، کارگروه امنیت و جنگ ترکیبی بود. کارگروه دوم به موضوع حقوق عامه و حمایت از تولید پرداخت و کارگروه سوم بر مسئله تحول و تعالی در دادسراها تمرکز کرد.

وی افزود: دادستان‌ها و قضات سراسر کشور در سال گذشته توانستند با اقدامات خوب خود دشمن را در رسیدن به اهدافشان ناامید کنند.

وی گفت: این کار همکاران ما یک مکمل بسیار بسیار ارزشمند داشت و آن هم عفو و بخشودگی گسترده مقام معظم رهبری بود که یک اثر بخشی بسیار بالایی داشت و در خانه‌ها و خانواده‌ها و در بین مردم و افکار عمومی یک حال و شرایط خوب را ایجاد کرد. حجت‌الاسلام والمسلمین منتظری افزود: یکی از اهداف ما از برگزاری این همایش، ایجاد یک وحدت رویه در بین قضات و دادستان‌ها در تصمیم‌گیری‌هاست تا بتوانند در خصوص مسائل مختلف یک رویه ثابت را ادامه دهند. دادستان کل کشور تصریح داشت: انتقال مسائل روز جامعه به دادستان‌ها و نیز انتقال تجربیات این عزیزان به یکدیگر از اهداف تعیینی دیگر در برگزاری این همایش بوده است، چرا که در سفرهای استانی مشاهده کرده‌ایم که گاهی برخی استان‌ها دارای ابتکاراتی در کار خود هستند که می‌بایست به دیگر استان‌ها نیز این ابتکارات انتقال داده شود و این همایش فرصت مناسبی را برای این کار فراهم می‌نماید. حجت‌الاسلام والمسلمین منتظری گفت: موضوع دیگری که ما در برگزاری این همایش به دنبال آن بودیم این است که مسائل و مواردی وجود دارد که از طریق رسانه و پروسه‌های اداری امکان تشریح و تبیین آن وجود ندارد و باید به صورت مبسوط به آن‌ها پرداخته شود که این بستر با این همایش‌ها فراهم می‌گردد.

تأمین امنیت روانی مردم یکی از مصادیق حقوق عامه است و اکنون بخش زیادی از امنیت روانی مردم در فضای مجازی شکل می‌گیرد و ما باید به درستی این فضا را مدیریت نماییم تا امنیت روانی مردم مخدوش نگردد

دادستان کل کشور ادامه داد: هدف دیگری که ما از برگزاری این همایش در نظر داشتیم این بود که بتوانیم به صورت حضوری و چهره به چهره با آن‌ها گفتگو کرده و دادستان‌های ما بتوانند به صورت حضوری مسائل خود را به مقامات بالادستی انتقال دهند.

حجت‌الاسلام والمسلمین منتظری در ادامه به ارائه گزارشی از مسائل این کارگروه‌ها پرداخت و گفت: توجه به تحول در قوه قضاییه که در دوره مدیریت فعلی عنوان تعالی هم به آن اضافه شده است یکی از موضوع مهم در کارگروه‌های ما بود. تحول یک امر ضروری است. در موضوع تحول چه به لحاظ کیفی و چه به لحاظ کمی می‌بایست همه موضوعات مورد دقت نظر قرار گیرد.

وی افزود: ما در دادستانی کل کشور یکسری مسئولیت‌ها و تکالیف را داریم و باید بر نقاط ضعف و قوت آن متمرکز شده و در این خصوص تلاش نماییم.

حجت‌الاسلام والمسلمین منتظری عنوان کرد: موضوع دیگر که ما در کارگروه‌ها به آن پرداختیم بحث امنیت و جنگ ترکیبی بود. مقوله امنیت امری حیاتی برای کشور

مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه؛

ارائه مشاوره حقوقی رایگان در نمایشگاه کتاب تهران

مرکز وکلای قوه قضائیه بیش از ۵۰۰ مشاوره حقوقی رایگان در نمایشگاه کتاب تهران ارائه داد

زمینه، مشاوره‌های حقوقی در موضوعات مختلف از جمله پیگیری حقوقی پرونده، ارائه دادخواست، لایحه دفاعیه و سایر موضوعات حقوقی و نکات حرفه‌ای مرتبط با پرونده، ارائه شده است. این بازدیدکنندگان در دیدار حضوری و بازدید از نمایشگاه، خدمات حقوقی دریافت کرده و با تسلط و آگاهی بهتر نسبت به موضوعات حقوقی موجود در پرونده خود، نمایشگاه کتاب را ترک کردند.

گفتنی است مشاوره حقوقی رایگان در چند سال گذشته از سوی اداره حقوق عامه و امور اجتماعی در سراسر کشور صورت گرفته و این



وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه زمان برگزاری نمایشگاه کتاب تهران، به بیش از ۵۰۰ نفر از بازدیدکنندگان مشاوره حقوقی ارائه کردند. یکی از خدمات ارائه شده در غرفه وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه، در طول روزهای برگزاری نمایشگاه کتاب، «برپایی میز خدمت و مشاوره حقوقی رایگان به مراجعان» از سوی وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده حاضر در نمایشگاه بوده است. وکلای مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران

سنت حسنه نیز ادامه دارد.

از سوی مردم، به پرسش‌ها و درخواست‌های مختلف بازدیدکنندگان از نمایشگاه کتاب پاسخ داده و در این

ضمن شنیدن موضوعات مطرح شده



مردمی سازی تجلی انقلاب اسلامی

دکتر محمد صادق صادقی
 دستیار استاندار کردستان
 در امر مردمی سازی دولت



نظارت عمومی عملکرد دولتمردان
 (* اولین گام در مردمی سازی؛ مردم - داری است و بدین معناست ست که در میان مردم حاضر شدن شنیدن حرف و مطالبه مردم و پاسخگو بودن و اقبال سازی است.
 (** گام بعدی مردمی سازی، شامل چند مرحله است.

- ۱- شناخت؛ مشارکت مردم در شناسایی مسائل
- ۲- راه حل؛ مشارکت مردمی در ارائه راه حل برای مسائل
- ۳- اقدام؛ مشارکت مردم در عملیات سازی راه حل‌ها و اجرای پروژه‌ها
- ۴- مطالبه گری و نظارت؛ مشارکت مردم در مطالبه گری و نظارت بر برنامه‌ها و محیط زندگی و باز خوردگیری آنها

■ گام نهایی گسترش گفتمان مردمی سازی در دولت و بدنه مردم

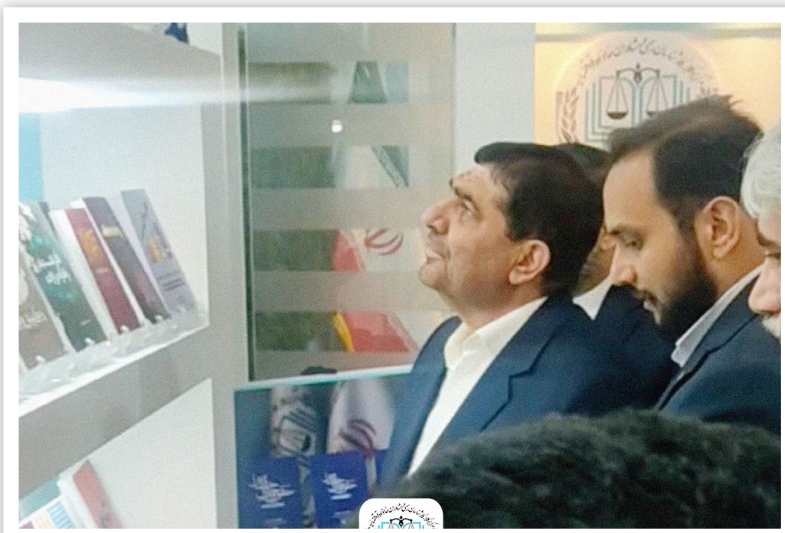
آنچه از مردمی سازی مورد انتظار است فراهم سازی بسترها و هدایت مردم جهت مشارکت و نقش آفرینی برای ایجاد تحول توسط حلقه‌های میانی است، در حالی که حلقه میانی افراد باشد یا مجموعه‌های فعال مردمی. انشالله با بسیج آحاد مردم و مسئولین وفاق و هم گریه بیش از پیش ایجاد خواهد شد و محصول مردمی سازی تحقق تمدن اسلامی خواهد بود.
 أَلَيْسَ اللَّهُ بِقَرِيبٍ

سلب نبود، بلکه ایجاب بود، امام فطرت خداجویی مردم را بیدارکرد و همین باعث شد؛ زن و مرد، پیر و جوان، با هرگرایش سیاسی و فکری و اجتماعی و قومی و مذهبی ایشان لبیک گفتند و انقلاب اسلامی پیروز شد. در روز جمهوری اسلامی امام پیام دادند و نقش مردم در پیام امام تبلور داشت. قانون اساسی نگاشته شد و در جای جای آن حضور مردم نقش و مشارکت مردمی مورد توجه قرار گرفت. تا با مشارکت افراد و اجتماع مسیر تکامل به سرانجام برسد. در بدو شکل گیری انقلاب به فرمان حضرت امام خمینی (ره) ۹۷ نهاد مردمی تشکیل شد. جهاد سازندگی با حضور و مشارکت مردم بستر خدمات دهی، جاده سازی، رفع محرومیت و... برای مردم تسهیل نمود. کمیته امدادکفالت محرومین را توسط مردم عهده دار شد و امروز هم مشارکت مردم را به همراه دارد. بنیادمسکن، بنیادمستضعفان، سازمان تبلیغات اسلامی، نهضت سوادآموزی و بسیج مستضعفین و دهها نهاد مردمی دیگر محصول تفکر صالح امام در راستای مردمی سازی بوده خدمات این نهاد، نقش آفرینی مثبت آن‌ها برکسی پوشیده نیست، شاید وضعیت مشارکت امروزی مردم مورد رضایت باشد اما برای تکامل امت و تحقق تمدن اسلامی کفایت نمی‌کند باید در تمام شغل‌ها زمینه حضور و مشارکت مردم فراهم شود چه در مقام افاده و چه در مقام استفاده.
 چه در تصدی و نقش آفرینی امورات جامعه و چه در مقام

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند

نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به رهبری حضرت امام (ره) گام اول را با مردم و تمامی سیاست گذاری‌ها را هم با مردم و برای مردم تدوین نمود و بارزترین آن قانون اساسی است که جای جای آن به نقش مردم و مشارکت مردم اشاره شده است که این مهم برگرفته از مبانی دینی و اسلامی است. اگر تاریخچه ی مردمی سازی را در کشور مورد کاوش قرار دهیم، نهضت امام خمینی (ره) از سال ۴۲ تا سال ۵۷ بهترین الگوی مردمی سازی و مشارکت مردم است. امام راحل به عنوان یک عالم امور دینی برای تغییر سرنوشت و با تمسک از کلام وحی « وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ » ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم؛ امامت امت را عهده دار شدند و با دست خالی و بدون هیچ عده و عده‌ای در طول ۱۵ سال (سال ۴۲ تا ۵۷) از هیچ، همه چیز ساخت. امام اقدامش

بازدید مسئولان کشور از غرفه مرکز (انتشارات پژوهاک عدالت) در نمایشگاه کتاب تهران



چهارمین حضور رئیس قوه قضاییه در جمع دانشجویان و دانشگاهیان طی ۶ ماه اخیر

توصیه‌های مهم رئیس دستگاه قضا بر تقویت شرایط و بستر اصلاح، تربیت و باز اجتماعی شدن و اشتغال زندانیان

نوری امام جمعه بجنورد اظهار کرد: از رئیس قوه قضاییه صمیمانه قدردانی به عمل می‌آوریم که امروز در جریان سفر به بجنورد هم در دانشگاه حاضر شدند تا سخنان دانشجویان را استماع کنند و هم برای انجام فریضه نماز و پاسداشت مسجد، به مسجد شهدا شهرک شاهد بجنورد آمدند تا در جمع اقشار مختلف مردم بجنورد باشند.

در جریان این مراسم، نمایندگان خانواده معزز شهدا، روحانیون، شرکت‌های دانش‌بنیان، کشاورزان و اصناف، به ارائه مطالب و نقطه‌نظرات خود پرداختند.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در جریان سفر بدون تشریفات به استان خراسان شمالی، در دانشگاه بجنورد حاضر شد تا با دانشجویان و



جوانان به صورت مستقیم و بدون واسطه به گفتگو و تبادل نظر بپردازد.

حضور امروز در دانشگاه بجنورد، چهارمین حضور رئیس دستگاه قضا در مجامع دانشگاهی و در بین دانشجویان، طی ده ماه اخیر است.

رئیس قوه قضاییه طی حدود ۲۲ ماه اخیر که تصدی ریاست عدلیه را بر عهده دارد، چندین نشست هم‌اندیشی با اقشار مختلف مردمی و نخبگانی به ویژه دانشجویان کشور برگزار کرده و همواره بر شنیدن نقطه‌نظرات همه منتقدان و صاحب‌نظران تاکید داشته و در این راستا فراخوانی مهم صادر کرده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای طی سخنانی در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاهی استان خراسان شمالی اظهار کرد: حضور در جمع دانشجویان یکی از اوقات خوش و مطلوب من می‌باشد؛ امروز نیز از حضور در جمع شما دانشجویان استان خراسان شمالی که بدون لکنت زبان مطالب خود را مطرح کردید، خرسند شدم؛ امیدوارم این توفیق حاصل شود که مطالبات شما را بشنوم و به آنها ترتیب اثر دهیم.

رئیس قوه قضاییه در ادامه بیان داشت: امروز مسئله اصلی و اولویت‌دار کشور، مسئله اقتصادی و رفع مشکلات معیشتی مردم است؛ البته سایر مسائل نظیر مسائل امنیتی و فرهنگی و سیاسی نیز مهم هستند اما باید توجه داشت که اگر به مسائل اقتصادی و معیشتی توجه نشود تبعات آن دامن‌گیر سایر مقوله‌ها خواهد شد.

رئیس عدلیه با تبیین و تشریح اقدامات قوه قضاییه برای مقابله با برخی مفاسد و جرایم و تخلفات اقتصادی گفت: ما به مسئولان اقتصادی و متولیان بانک مرکزی اعلام کرده‌ایم که باید از اختیارات قانونی خود برای جلوگیری از شکل‌گیری جرایم و تخلفات اقتصادی به صورت کامل استفاده کنید و چنانچه از این اختیارات بهره نگیرید، نه به عنوان ترک فعل بلکه به عنوان ترک قانون، تحت تعقیب حقوقی قرار می‌گیرید.

رئیس دستگاه قضا در ادامه بیان داشت: ما به مسئولان بانک مرکزی در جریان جلسات گوناگون اعلام کرده‌ایم که برای جلوگیری از اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی، اقدامات مجدانه خود را انجام دهید و در قبال تسهیلات اعطایی شبکه بانکی به افراد، نظارت کافی و جامع را دنبال کنید تا این تسهیلات در مسیر تولید صرف شود و به بازارهای کاذب نرود.

اگر مردم به کارگزاران نظام اعتماد کنند و توطئه دشمن در جهت مخدوش کردن این اعتماد، ناکام ماند آنگاه است که مردم برای رفع مشکلات، کمک کرده و یا صبر و تحمل پیشه می‌کنند

بجنورد، در کنار مردم استان خراسان شمالی گفت: در جریان سفرهای استانی اعم از سفرهای رسمی و غیررسمی، تاکید دارم که نامه‌های واصله از جانب مردم توسط یک هیئت مخصوص به صورت ویژه و سریع مورد رسیدگی قرار گیرند و تا آنجا که در چارچوب قانون، اختیارات و توانایی‌های دستگاه قضایی است، به درخواست‌های مردمی ترتیب اثر داده شود؛ اما از سویی دیگر، در خصوص آن دسته از درخواست‌های مردمی که در حیطه اختیارات و توانایی‌های قوه قضاییه نیست، قولی را نمی‌دهم چرا که معتمد ما مسئولان باید به هر آنچه وعده می‌دهیم عمل کنیم.

رئیس عدلیه با اشاره به مسائل و مشکلات معیشتی در کشور و ضرورت اهتمام و تمرکز همه قوا برای رفع این مسائل و مشکلات گفت: سرریز مشکلات اجتماعی و اقتصادی به قوه قضاییه می‌رسد؛ وقتی تورم مهار نشود، به تبع آن مشکلات و پرونده‌های اجتماعی و اقتصادی نیز ایجاد می‌گردد و حجم کار در دستگاه قضایی را زیادتر می‌کند. در اینجا ممکن است عده‌ای از مراجعان نسبت به نوع برخورد یک قاضی گلایه داشته باشند؛ بدون تردید چنانچه یک قاضی بدون جهت در قبال یک مراجعه‌کننده تندی به خرج دهد یا خدای ناکرده به او توهین کند برای یک لحظه نیز حق نشستن در منصب قضاوت را ندارد اما باید توجه داشت که در مواقع و مواردی، یک مراجعه‌کننده، قاضی را که با حجم زیادی از پرونده‌ها مواجه است را عصبانی می‌کند.

قاضی‌القضات در پایان گفت: گلایه‌مندی از قوه قضاییه را به روی چشم می‌گذاریم و ادعا نداریم که کار قوه قضاییه و احکام صادره در آن بدون عیب و نقص است اما در حضور شما نمازگزاران و مردم متدین شهادت می‌دهم که تمام توانم را برای خدمت به مردم به کار گرفته‌ام. پیش از سخنان رئیس دستگاه قضا، حجت‌الاسلام والمسلمین

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در بیست‌ویکمین سفر استانی خود از بدو تصدی ریاست دستگاه قضا، در سفری بدون تشریفات و از پیش اعلام نشده، وارد بجنورد مرکز استان خراسان شمالی شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای از بدو تصدی ریاست دستگاه قضا در دهم تیرماه سال ۱۴۰۰ تاکنون به صورت رسمی و در صدر هیئت عالی قضایی به استان‌های ایلام، قزوین، خوزستان، گلستان، خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان، قم، یزد، خراسان جنوبی، زنجان، مرکزی، اصفهان، البرز و کردستان سفر کرده است.

ریاست دستگاه قضا در دوره جدید علاوه بر سفرهای رسمی استانی که

به همراه هیئت عالی قضایی انجام می‌شود، سفرهایی غیررسمی و بدون تشریفات را هم در برنامه کاری خود گنجانده است؛ استان‌های البرز، اصفهان، هرمزگان، بوشهر، کرمان و خراسان رضوی استان‌هایی بودند که رئیس قوه قضاییه طی مدت اخیر بدون انجام تشریفات به آن مناطق سفر کرده است.

نقطه اشتراک تمام سفرهای استانی رئیس عدلیه در دوره جدید - اعم از سفرهای رسمی همراه با هیئت عالی قضایی و سفرهای غیررسمی و بدون تشریفات - انجام ملاقات‌ها و دیدارهای مستقیم و بلاواسطه با متن مردم در سراسر ایران اسلامی و رفع مسائل و مشکلات حقوقی و قضایی آن‌ها و همچنین اتخاذ رویکرد مسئله‌محور و تخصص‌گرایانه در قبال چالش‌ها و آسیب‌های موجود است که به نحوی از انحاء مرتبط با وظایف و مسئولیت‌های دستگاه قضا بویژه در حوزه صیانت از حقوق عامه می‌شوند.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در جلسه شورای اداری استان خراسان شمالی اظهار کرد: امروز باید تمام تمرکز و توان خود را برای رفع مسائل و مشکلات اقتصادی و تحقق رشد تولید و مهار تورم معطوف کنیم و در این راه باید از ظرفیت‌های مردمی به نحو مطلوب بهره بگیریم.

رئیس عدلیه بیان داشت: لازمه بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی این است که مردم به ما اعتماد داشته باشند و بدانند که ما مسئولان نهایت تلاش را برای رفع مسائل و مشکلات آنها به کار می‌بندیم.

رئیس قوه قضاییه تصریح کرد: اگر مردم به کارگزاران نظام اعتماد کنند و توطئه دشمن در جهت مخدوش کردن این اعتماد، ناکام ماند آنگاه است که مردم برای رفع مشکلات، کمک کرده و یا صبر و تحمل پیشه می‌کنند.

رئیس دستگاه قضا ادامه داد: اگر خدای ناکرده دشمن در توطئه خود توفیق یابد و به اعتماد مردم خدشه وارد شود و یا زندگی ما مسئولان از مردم جدا شود آنگاه است که مردم نه تنها کمک‌کار نخواهند بود بلکه ممکن است حرف دشمن را باور کنند؛ مردم عمل را می‌بینند نه قول را؛ قول خوب است اما مشروط به آنکه با عمل همراه باشد؛ بنابراین زندگی ما مسئولان به صورت عملی باید همراه با مردم باشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در پایان خاطر نشان کرد: اگر مردم و جوانان نسبت به کارآمدی ما مسئولان ناامید شوند و از ما کارآمدی نبینند، ممکن است خدای ناکرده به ندهای دشمن گوش فرا دهند.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در جریان سفر بدون تشریفات به خراسان شمالی، با حضور در مسجد شهدا شهرک شاهد

رئیس قوه قضاییه در بازدید از یکی از شعب دادسرای بجنورد، به صورت ویژه و تخصصی، یک پرونده موردی را از بدو تشکیل و مفتوح شدن و صدور حکم در مراحل مختلف قضایی تا درخواست اعمال ماده ۴۷۷، مورد بررسی و مذاقه قرار داد و در خصوص ایرادات و نواقص آن تذکراتی را ارائه کرد.

رئیس دستگاه قضا در بازدید از یکی از شعب اجرای احکام این واحد قضایی، سؤالاتی تخصصی را در باب ورودی پرونده‌ها، محکومان به حبس‌های طولی‌مدت، پرونده‌های



حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای گفت: ما از دستگاه‌های امنیتی به طور جدی مطالبه‌گری کرده‌ایم تا نسبت به شناسایی و معرفی جریانات سازمان‌یافته‌ای که اقدامات کاذبی را علیه اقتصاد و بازارهای ارزی و ریالی ترتیب می‌دهند، اهتمام داشته باشند و در اینجا بار دیگر تاکید می‌کنم و وعده می‌دهم که در قبال عناصر این جریانات سازمان‌یافته، قاطعانه عمل کنیم.

مسئول پرونده‌هایی که به دلایل مختلف احکام قطعی آن‌ها اجرایی نشده است، مطرح کرد و در این زمینه‌ها، توصیه‌هایی کاربردی را خطاب به مسئولان ذیربط ارائه کرد. همچنین رئیس عدلیه در جریان بازدید از دادسرای عمومی و انقلاب بجنورد به صورت چهره به چهره با تعدادی از مراجعان به گفتگو پرداخت و در جریان مسائل و مشکلات آن‌ها قرار گرفت و در همین راستا در چارچوب قوانین، دستورات مقتضی را صادر کرد. حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در ادامه، طی سخنانی در جمع مسئولان قضایی استان خراسان شمالی، ضمن تاکید بر این نکته که سفر امروز به استان خراسان شمالی در زمره سفرهای استانی رسمی هیأت عالی قضایی محسوب نمی‌شود و سفر رسمی به این استان محفوظ است، اظهار کرد: استان خراسان شمالی نسبت به سایر استان‌ها در زمره استان‌های جدیدالتأسیس محسوب می‌شود و با توجه به وضعیت مرزی آن و سایر شرایط مربوطه، انظوری که شایسته است هنوز زیرساخت‌های کامل در این استان فراهم نشده است.

رئیس عدلیه با اشاره به بازدید خود از زندان مرکزی بجنورد و دادسرای این شهر، به برخی مشکلات و کمبودهای ناظر بر تجهیزات اداری و انسانی در این مراکز قضایی اشاره کرد و گفت: انسان وقتی با بازدیدهای میدانی، از نزدیک با مسائل و مشکلات آشنا می‌شود، احساس مسئولیت بیشتری می‌کند.

رئیس دستگاه قضا با اشاره به گفتگوی چهره به چهره خود با تعدادی از زندانیان در زندان مرکزی بجنورد گفت: برخی از این زندانیان به واسطه مبلغی اندک و عدم جلب رضایت شاکی خصوصی، علی‌رغم پایان مدت محکومیت، در زندان مانده‌اند و یا اینکه به سبب داشتن شاکی خصوصی، نتوانسته‌اند از عفو و آزادی مشروط بهره‌مند شوند؛ از سویی دیگر، برخی از همان‌ها در پاسخ به سوال من می‌گفتند که دو یا چهار یا شش بار مرتکب جرم سرقت شده‌اند؛ اینجا سوال پیش می‌آید اگر آن‌ها شامل عفو شوند، آیا تبعاتی برای اجتماع و مردم ایجاد نمی‌شود؛ لذا این قبیل مسائل چندوجهی است و باید با جامع‌نگری به آن‌ها نگریم حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در ادامه به مسئولان قضایی استان خراسان شمالی تاکید کرد: در راستای کمک به رشد تولید و مهار تورم، مساعدت‌های لازم را به بخش‌های دولتی داشته باشید و در مقابله با مفاسد و مفسدین در دستگاه‌های مختلف چه دستگاه قضایی و چه دستگاه اجرایی، قاطعیت به خرج دهید.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای با اشاره به سفر سال ۹۹ قوه قضاییه به استان خراسان شمالی و عدم تحقق مصوبات این سفر از ناحیه استانداری و دستگاه قضا، گفت: یکی از عواملی که من را مصمم کرد به صورت غیررسمی به استان خراسان شمالی سفر کنم همین موضوع بود و در همینجا تاکید می‌کنم که در اولین فرصت، در ابتدای هفته آتی، آن بخش از تعهدات دستگاه قضا که در جریان سفر سال ۹۹ به تصویب رسید را عملیاتی کنیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای گفت: استانداری خراسان شمالی به نمایندگی از دولت باید تعهدات ناظر بر سفر سال ۹۹ هیأت عالی قضایی و سفر تیرماه سال گذشته رئیس‌جمهور به خراسان شمالی که مرتبط با تجهیز مراکز قضایی است را پیگیری کند و بداند که این امر به نفع مردم خود استان می‌باشد.

امروز مسئله اصلی و اولویت‌دار کشور، مسئله اقتصادی و رفع مشکلات معیشتی مردم است؛ البته سایر مسائل نظیر مسائل امنیتی و فرهنگی و سیاسی نیز مهم هستند اما باید توجه داشت که اگر به مسائل اقتصادی و معیشتی توجه نشود تبعات آن دامن‌گیر سایر مقوله‌ها خواهد شد

اغتشاش‌گر قرار ندادیم و بر همین مبنا پیشنهاد عفو آن‌ها را به مقام معظم رهبری مطرح کرده و معظم‌له نیز با بزرگواری اجازه عفو را صادر فرمودند. قاضی‌القضات با بیان اینکه در جریان عفو حدود ۹۰ هزار نفر مورد عفو قرار گرفتند، گفت: باید توجه داشت که همه این افراد زندانی نبوده و یا زندان آزاد نشدند؛ برخی مشمول تخفیف و تقلیل مجازات شدند؛ همچنین همه این افراد مرتبط با اغتشاشات نبودند و پرونده برخی از آنان نیز در حال رسیدگی بود و هنوز به حکم منتهی نشده بود.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در ادامه با اشاره به تدوین لایحه‌ای در زمینه عفاف و حجاب از ناحیه قوه قضاییه و ارسال این لایحه از سوی دولت به مجلس گفت: در جریان تدوین لایحه ناظر بر عفاف و حجاب، تلاش کرده‌ایم تا جامع‌نگری داشته باشیم و همه جوانب امر را لحاظ کنیم. برای نمونه، در مقابله با جریانات سازمان‌یافته‌ای که در صدد ترویج ناهنجاری‌ها هستند، ترتیبات قانونی و قاطع را داشته باشیم و از سویی دیگر در این حوزه، برخی موارد را در قالب تخلف بررسی کنیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای، در جریان سفر بدون تشریفات خود به استان خراسان شمالی و در ادامه بازدیدهای میدانی خود از مراجع و مراکز قضایی، از دادسرای عمومی و انقلاب بجنورد بازدید کرد و از نزدیک در جریان کم و کیف رسیدگی به پرونده‌ها در این واحد قضایی قرار گرفت. قاضی‌القضات در بازدید از شعب دادسرای عمومی و انقلاب بجنورد، به مطالعه موردی برخی پرونده‌ها در فقره‌های مختلف از جمله پرونده‌های ناظر بر ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری پرداخت و توصیه‌هایی را در زمینه فرآیند پذیرش و رسیدگی به این قبیل پرونده‌ها مطرح کرد.

به همه بانک‌ها در مورد تسهیلات اعطاییی اخطار دادیم

بانک‌ها چهار وظیفه را باید رعایت کنند

رئیس دستگاه قضا افزود: من چند بار تاکید کرده‌ام که در مواجهه با جرایم و تخلفات حوزه اقتصادی و بانکی، قبل از آنکه به سراغ مشتری بانک‌ها برویم، سراغ بانک‌هایی می‌رویم که بدون اخذ وثایق کافی و بعضاً به صورت مفسده‌آمیز، مبادرت به اعطای تسهیلات کرده‌اند و یا اینکه نظارت‌های لازم را پیرامون محل هزینه‌کرد این تسهیلات نداشته‌اند.

رئیس عدلیه در ادامه با تاکید بر اینکه قوه قضاییه مصمم است به صورت ریشه‌ای با فساد مقابله کند و به سراغ بسترها و گلوگاه‌های فساد برود، گفت: ما به جای اینکه با صدها پرونده موردی مواجه شویم، به سراغ ۱۰ پرونده ریشه‌ای رفتیم که از قبل آن، امکان ایجاد صدها پرونده وجود داشت البته این نافی بر خورد‌های موردی با فساد هم نیست.

وی افزود برای نمونه در یک فقره در نتیجه یک ارتباطات ناصحیح با یک شرکت، برای واردات میلیون‌ها تن نهاده دامی، بیش از هزار میلیارد تومان از مردم دریافت شده بود اما کالایی وارد کشور نشده بود؛ ما به این موضوع ورود کردیم و رسیدگی‌ها و برخورد‌های مجدانه و لازم را ترتیب داده و اجازه ندادیم این موضوع به یک پرونده فساد بزرگ با شاکایی تبدیل شود.

قاضی‌القضات تاکید کرد: در بحث مقابله با فساد، ما در صدد مبارزه ریشه‌ای هستیم نه کار تبلیغاتی؛ در مقوله مبارزه با فساد، ما در عین اینکه متمرکز بر روی علت‌ها هستیم، از معلول‌ها نیز غافل نمی‌شویم. سوال این است که در بحث مقابله با فساد، آیا به نقطه مطلوب رسیده‌ایم؟ باید بگویم نه اما مجدانه در این عرصه تلاش می‌کنیم. رئیس دستگاه قضا با اشاره به مقوله مهم بازگشت ارزش‌های حاصل از صادرات به چرخه اقتصاد و اقدامات صورت‌گرفته در این زمینه گفت: ما به مسئولان ذی‌صلاح در بانک مرکزی و وزارت اقتصاد اعلام کرده‌ایم که شعب خاصی را در دادسرا و دادگاه بعضاً به صورت شبانه‌روزی دایر می‌کنیم تا به موضوعات و پرونده‌های ارزی به صورت ویژه و سریع رسیدگی کند؛ در مقابل به مسئولان بانک مرکزی و وزارت اقتصاد نیز تاکید کرده‌ایم که در این زمینه با مشورت‌گیری از معاونت‌های حقوقی خود از حداکثر اختیارات قانونی بهره بگیرند و در آنجایی که نیاز به اختیاری فراقانونی دارند تا در امر ساماندهی بازارهای ارزی و پولی ورود داشته باشند، پیگیری‌های مجدانه را برای اخذ این اختیارات ترتیب دهند.

سال گذشته هم اغتشاشات را داشتیم هم اعتراضات

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در ادامه با اشاره به مقوله تفکیک اعتراضات از اغتشاشات که از همان ابتدای شکل‌گیری حوادث سال گذشته مدنظر قوه قضاییه بود، گفت: قطعاً برخی از حوادثی که در سال گذشته به وقوع پیوست، هدایت‌شده از سمت سرویس‌های بیگانه بود و قطعاً برخی از این حوادث به جنایت و تضییع اموال مردم منجر شد اما از سویی دیگر، در جریان این حوادث برخی نیز اعتراض داشتند ولو آنکه این اعتراض را با زبانی تلخ و تند مطرح کردند؛ ولی ما آنان را در زمره عناصر ضدانقلاب و

رئیس قوه قضاییه

در جمع اقشار مختلف مردم:

وقتی تورم مهار نشود، به تبع آن مشکلات و پرونده‌های اجتماعی و اقتصادی نیز ایجاد می‌گردد و حجم کار در دستگاه قضایی را زیادتر می‌کند

چالش‌های قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸

است و موقعیت مولف در پیوستن به چنین قراردادی بدون حمایت قانونی رها شده است، اما باید در برابر بی عدالتی و نقض حقوق شهروندان مخصوصاً قشر توانمند و فرهیخته که سالهاست برای این مرز و بوم زحمت نوشتن و تحقیق را به دوش کشیدند راه چاره یافت، هر چند به نظر میرسد، راهکار اصلی در دل قوانین موضوعه مستتر است و عدم آگاهی برخی اشخاص از این مقررات مانع بزرگی در رسیدن آنها به اهداف خود شده است. چنانکه حقوق معنوی مولف به صراحت ماده ۴ قانون مذکور غیرقابل اسقاط است؛ (حمایت معنوی از حقوق مولفین) همچنین سلب کلی حقوق مادی وی به صراحت ماده ۹۵۹ قانون مدنی باطل و از درجه اعتبار ساقط است (حمایت از حقوق مادی مولفین). چنانکه مقرر در سال ۱۳۴۸ به این نکته به دلیل وجود

موضوع مقرر در ماده ۹۵۹ قانون مدنی، که مقدم بر تصویب قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان بوده است، اشاره‌ای نکرده است، در نهایت اسقاط کلی حق مولف برای همیشه و انتقال دائمی آن به یک ناشر به دلیل وجود ماده ۹۵۹ قانون مدنی و بطلان اسقاط کلی حق، باطل به نظر می‌رسد، همچنین عدم وجود قید در قراردادهای تالیف، باعث این توهّم گردیده است که کلیه حقوق مادی آن اثر به ناشر واگذار گردیده است که صحیح نمی‌باشد، این نوشتار کوتاه تلاشی حق طلبانه در جهت دفاع از ابزارهای پیشرفت یک کشور است، بدون تحقیق و پژوهش و صرفاً اتکای به منابع خدادادی و طبیعی، پیشرفت یک جامعه آلترناتیوی و موقتی است، پس مقنن نیک میدانند عرصه

تحقیق و پژوهش به امنیت و تضمین مقنن نیازمند است تا آن کشور از وابستگی رهایی یابد، با اینکه امروزه تحقیق در علوم انسانی و حتی موارد دیگر بسیار بی اهمیت و کم رونق شده است، یکی از علل اصلی این بحران پیش آمده ضعف مقنن در قانونگذاری روزآمد و یا باز یافت قوانین موضوعه است. هر چند در سالهای اخیر حاکمیت و دولت برای کمک به بهبود اوضاع نشر در ایران، اقدام به توزیع کاغذ حمایتی به برخی از ناشران نمودند که این عمل خود نشانگر تلاش دولت در حل برخی مشکلات عملی در این حوزه است، اما مشکل اصلی این حوزه قدیمی و روزآمد نبودن قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ بوده که حقوق مادی مولف را نتوانسته تضمین نماید. با اینکه وظیفه مقنن در این خصوص حمایت کامل از مؤلفان و نویسندگان است و نباید این امر با موضوع قراردادهای خصوصی ماده ۱۰ قانون مدنی قیاس شده و آنها را در انعقاد چنین قراردادهایی کاملاً آزاد و رها گذاشت. به نحوی که خصوصیت این قراردادها چنین تضمینی را مطالبه مینماید، همچنانکه عقد نکاح به دلیل ارتباط لاینفک با نظم عمومی دارای قالب ویژه و اثرات خاص است و خروج از قواعد امری آن به بطلان آن میانجامد، قواعد مرتبط با حقوق مادی و معنوی مولف نیز از چنین خصوصیتی برخوردار بوده و نقض آنها منجر به خدشه دار شدن نظم عمومی می‌شود که نیازمند ورود مقنن است، با لحاظ تمام مسائل مذکور این نوشتار تلاشی در جهت حفظ یکی دیگر از حقوق عامه است.

این نوشتار کوتاه تلاشی حق طلبانه در جهت دفاع از ابزارهای پیشرفت یک کشور است، بدون تحقیق و پژوهش و صرفاً اتکای به منابع خدادادی و طبیعی، پیشرفت یک جامعه آلترناتیوی و موقتی است، پس مقنن نیک میدانند عرصه تحقیق و پژوهش به امنیت و تضمین مقنن نیازمند است تا آن کشور از وابستگی رهایی یابد، با اینکه امروزه تحقیق در علوم انسانی و حتی موارد دیگر بسیار بی اهمیت و کم رونق شده است، یکی از علل اصلی این بحران پیش آمده ضعف مقنن در قانونگذاری روزآمد و یا باز یافت قوانین موضوعه است

علی رسولی



حامی عدالت: حقوقدان فرانسوی، برتران متیو از بازیافت قانون و پالایش آن و در نهایت روزآمد نمودن آن به جای نسخ کلی یک قانون پیشنهاداتی ارائه داده است، شاید عمده دلیل وی از بیان مقررات بازیافت در قوانین همین روزآمدسازی قوانین موضوعه بوده است همچنانکه وی معتقد است بازیافت قوانین وظیفه اصلی مقنن است، با اینکه امروزه اکثر قوانین در حقوق ما متعلق به پنجاه سال پیش است و چالشهای به وجود آمده مخصوصاً در حوزه فرهنگ لازمه دخالت قوه مقننه و بروزسانی آن قوانین را هر چه بیشتر پررنگ تر می‌کند، یکی از این قوانین که باید به نوعی بازیافت و نکات ضعیف آن پالایش و نکات قوت آن برجسته شود، قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ می‌باشد، که به نوعی ناکارآمد و مولفان را در مسیر سخت محاکم حقوقی در نظام قضایی اسیر و سرگردان نموده است، برای مثال کتابی در سال ۱۳۵۰ توسط مولف به یک ناشر تحویل داده شده

و هنوز آن اثر به چاپ نرسیده و متاسفانه ناشر از چاپ آن امتناع می‌نماید (!) این قانون برای این چالش بزرگ چه راهکاری دارد؟ وجود هیأت حل اختلاف در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز به درستی نتوانسته است ابزاری در جهت رفع خصومت و حل مشکلات حوزه فرهنگی باشد. چالشهای این قانون بشمار بوده و در یک نوشتاری کوتاه نمیگنجد، با اینکه به نظر میرسد، این حوزه از اختلافات نیازمند آیین دادرسی ویژه به خود بوده تا حقوق طرفین در چنین دعوی به نحو دقیق بررسی گردد چنانکه عدم وجود آیین دادرسی ویژه در این حوزه طرفین اختلاف را به مسیر محاکم عمومی در موارد اختلاف میکشاند، تا جاییکه تخصصی نبودن چنین رسیدگیهایی در محاکم عمومی گاهی اوقات باعث تضییع حق طرفین میگردد.

امروزه متداول شده است که مؤلفان جوان و کم تجربه کلیه حقوق مادی خودشان را در مقابل درصدی حق التالیف به ناشران واگذار می‌نمایند، که به نظر میرسد چنین اقدامی برخلاف ماده ۹۵۹ قانون مدنی است، علی‌هذا این معضل حقوقی امروزه گریبانگیر اکثر مؤلفان بوده و معضلی است که امکان مدیریت و رفع آن بر عهده مقنن است، تا جاییکه برخی ناشران ادعا میکنند، تلاش آنها باعث پیشرفت کتاب و دیده شده آن اثر گردیده است، و برای خود به نوعی حقوق مبتنی بر کسب و پیشه نیز منظور مینمایند که صحیح نیست، حتی در برخی قراردادهای بین ناشرین و مولفین، حقوق معنوی مولف نیز ساقط شده است که به هر صورت چنین توافقی باطل و از درجه اعتبار ساقط است، با این

امروزه متداول شده است که مؤلفان جوان و کم تجربه کلیه حقوق مادی خودشان را در مقابل درصدی حق التالیف به ناشران واگذار می‌نمایند، که به نظر میرسد چنین اقدامی برخلاف ماده ۹۵۹ قانون مدنی است، علی‌هذا این معضل حقوقی امروزه گریبانگیر اکثر مؤلفان بوده و معضلی است که امکان مدیریت و رفع آن بر عهده مقنن است، تا جاییکه برخی ناشران ادعا میکنند، تلاش آنها باعث پیشرفت کتاب و دیده شده آن اثر گردیده است، و برای خود به نوعی حقوق مبتنی بر کسب و پیشه نیز منظور می‌نمایند که صحیح نیست

همه، برخی در مراجع دولتی ذیصلاح به غلط معتقدند، (مولف حق معنوی خود را ساقط نموده است و از این جهت نیز نمیتواند ادعایی داشته باشد) با اینکه مطابق مواد ۳، ۴ و ۵ قانون مذکور، علی‌الخصوص منطوق ماده ۴ آن قانون چنین اسقاط حقی باطل و از اعتبار قانونی ساقط شده است. با این همه در این قانون به وضعیت حقوقی تحمیلی بودن چنین قراردادهایی اشاره نشده



جرایم ثبتی و مجازاتهای مربوط به آن



محمدهادی طبیبی سورکی
 وکیل پایه یک دادگستری

برای تصدیق حق طرف نباشد.

۲- بر اساس ماده ۱۰۶ قانون ثبت؛

مقررات فوق در مورد وارثی نیز جاری است که با علم به انتقال ملک از طرف مورث خود یا با علم به اینکه به نحوی از انحاء قانونی سلب مالکیت از مورث او شده بوده است تقاضای ثبت آن ملک یا تقاضای صدور سند مالکیت آن ملک را به اسم خود کرده و یا مطابق قسمت اخیر ماده فوق پس از اخطار اداره ثبت رفتار نکند. در تمام این موارد علم وارث باید به وسیله امضا یا مهر و یا نوشته به خط او محرز شود.

۳- بر اساس ماده ۱۰۷ از قانون مذکور؛ هر کس به عنوان اجاره یا عمری یا رقبی یا سکنی و یا مباشرت و به طور کلی هر کس نسبت به ملکی امین محسوب بوده و به عنوان مالکیت تقاضای ثبت آن را بکند، به مجازات کلاهبردار محکوم خواهد شد.

۴- مطابق ماده ۱۰۸ از قانون ثبت؛

هرگاه شخصی که ملک را به یکی از عناوین مذکوره در فوق متصرف بوده، شخصاً تقاضای ثبت ننموده ولی به واسطه خیانت یا تبانی او، ملک به نام دیگری به ثبت برسد به طریق ذیل عمل خواهد شد:

الف- اگر کسی که ملک به اسم او ثبت شده مشمول مقررات یکی از مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۹ باشد شخص او و امین هر دو به عنوان مجرم اصلی به مجازات کلاهبردار محکوم شده و نسبت به خسارات مدعی خصوصی متضامناً مسئول خواهند بود.

ب- هرگاه کسی که ملک به نام او به ثبت رسیده مشمول هیچ یک از مقررات مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۹ نباشد شخص مزبور به هیچ عنوان اعم از حقوقی و جزایی قابل تعقیب نیست ولی امین به عنوان مجرم اصلی تعقیب و مطابق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم شده و به علاوه برای جبران خسارت صاحب ملک، در توقیف خواهد ماند. در صورتی که در ظرف پنج سال نتوانست با تأدیه خسارت یا از طریق دیگر رضایت مدعی خصوصی را فراهم سازد وزیر عدلیه از مقام سلطنت، عفو او را استدعا میکند.

۵- طبق ماده ۱۰۹ از قانون ثبت؛

هر کس نسبت به ملکی که در تصرف دیگری بوده خود را متصرف قلمداد کرده و تقاضای ثبت کند کلاهبردار محسوب میشود. اختلاف راجع به تصرف در حدود، مشمول این ماده نیست.

۶- بر اساس ماده ۱۱۰ از قانون ثبت؛ در مورد مواد فوق و همچنین در کلیه مواد دیگر این قانون اظهارنامه‌ای که در مورد ثبت عمومی املاک داده میشود به منزله تقاضانامه است.

مطابق ماده ۱۱۱ قانون ثبت؛

در مورد مواد قبل تعقیب متهم موقوف به شکایت مدعی خصوصی است. (طبق ماده دوم اصلاحی مصوب ۵/۷/۱۳۱۲، مقصود از مواد قبل مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ میباشد.)

و بر اساس ماده ۱۱۱ مکرر از قانون ثبت؛ اگر مورد مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ متهم کسی باشد که املاک موقوفه عام‌المنفعه را به عنوان متولی یا متصدی و یا املاک مولیعلیه را به عنوان ولایت یا قیمومت در تصرف دارد، تعقیب جزایی موقوف به شکایت مدعی خصوصی نیست.

نکته قابل توجه اینکه؛ در صورتی که مدعی خصوصی قبل از صدور حکم نهایی شکایت خود را مسترد داشت تعقیب متروک خواهد شد.

و شایان ذکر و توجه است؛ تجدید شکایت از مدعی خصوصی پذیرفته نمیشود.

مطابق ماده ۱۱۴ از قانون ثبت؛

در مورد مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ (به استثنای مورد مذکور در بند ب ماده ۱۰۸) مجرم علاوه بر مجازات مقرر برای جرم کلاهبرداری تا موقعی که به وسیله تصدیق حق مدعی

خصوصی در اداره ثبت املاک یا به وسایل دیگر خساراتی را که مستقیماً به واسطه تقاضای ثبت و صدور سند مالکیت به طرف وارد آورده و مدعی خصوصی به وسیله تقدیم عرضحال مطالبه نموده و مورد حکم واقع شده جبران ننماید، در توقیف خواهد ماند. تعیین میزان خسارت با محکمه‌ای است که به جنبه جزایی رسیدگی کرده ولو اینکه عرضحال خسارت از طرف مدعی خصوصی پس از صدور حکم جزایی داده شده باشد. خسارات غیرمستقیم (خسارات ناشی از محاکمه) مطابق اصول معموله تعیین و وصول خواهد شد.

و در ضمن؛ هر کس یکی از اعمال مشروحه در مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ را قبل از اول اسفند ماه ۱۳۰۸ مرتکب شده و تا اول خرداد ماه ۱۳۰۹ به وسیله تصدیق حق طرف در دفاتر ثبت یا به وسایل دیگر خسارات وارده بر صاحب ملک را جبران ننموده کلاهبردار محسوب شده و علاوه بر مجازات مقرر برای این جرم تا موقعی که خسارت وارده بر طرف را مطابق ماده ۱۱۴ جبران نکرده در توقیف خواهد ماند.

در مورد املاکی که به رهن یا به یکی از عناوین مذکوره در ماده ۳۳ انتقال داده شده، رهن یا انتقال دهنده مکلف است حق طرف را در ضمن اظهارنامه خود قید نماید. در صورتی که رهن یا انتقال دهنده به این تکلیف عمل ننموده مرتبه یا انتقالگیرنده میتواند تا یک سال از تاریخ انقضای مدت حق استرداد یا رهن، به وسیله اظهارنامه رسمی حق خود را مطالبه کند. هرگاه در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه، رهن یا انتقال دهنده حق طرف را نداد، کلاهبردار محسوب و با رعایت مواد ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ مطابق ماده ۱۱۴ با او رفتار خواهد شد.

اگر اخطار قبل از انقضای مدت حق استرداد و یا رهن به عمل آمده باشد، رهن یا انتقال دهنده وقتی مجرم خواهد بود که در صورت بقای ملک به ملکیت او، حق طرف را تا ده روز پس از ابلاغ اظهارنامه در اداره ثبت تصدیق ننماید و در صورتی که ملک به ملکیت او باقی نباشد، وقتی مجرم محسوب خواهد شد که تا ده روز پس از انقضای مدت حق استرداد یا رهن، حق مرتبه یا انتقالگیرنده را تأدیه نکند.

همچنین، مرتبه یا انتقالگیرنده که در ظرف مدت یک سال، اخطار مذکور در فوق را نکرد مادام که مرور زمان منقول شامل طلب او نشده، حق مطالبه طلب خود را خواهد داشت.

۷- طبق ماده ۱۱۷ قانون ثبت؛

هرکس به موجب سند رسمی یا عادی نسبت به عین یا منفعت مالی (اعم از منقول یا غیرمنقول) حقی به شخص یا اشخاص داده و بعد نسبت به همان عین یا منفعت به موجب سند رسمی معامله یا تعهدی معارض با حق مزبور بنماید به حبس با اعمال شاقه از سه تا ده سال محکوم خواهد شد. (اصلاحی مصوب ۱۳۱۲)

۸- ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات؛

جعل و تزویر عبارتند از: ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تاخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌های به نوشته دیگر یا بکار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب.

نهایتاً خاطر نشان می‌گردد رسیدگی به اینگونه جرائم در دادگاه محل وقوع اداره ثبت و یا همان حوزه قضایی که اداره ثبت در آن واقع می‌باشد، صورت می‌پذیرد ولی به اشتباهات ثبتی مطابق ماده ۶۴ قانون ثبت اقدام می‌گردد که عنوان می‌دارد: برای رسیدگی به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبت اسناد و املاک در مقر دادگاه استان، هیأتی به نام هیأت نظارت مرکب از رئیس ثبت استان یا قائم‌مقام او و دو نفر از قضات دادگاه استان به انتخاب وزیر دادگستری تشکیل می‌شود. هیأت مزبور به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبتی در حوزه قضایی استان رسیدگی می‌نماید.

برای این هیأت یک عضو علی‌البدل از قضات دادگستری یا کارمندان ثبت مرکز استان از طرف وزیر دادگستری تعیین خواهد شد.

جرایم ثبتی را باید به دو قسمت تقسیم کرد، جرایمی که مختص کارمندان و مامورین ثبتی است و به عبارتی می‌بایست جز مامورین ثبتی باشید و عملی را که قانون آنرا بزه تلقی نموده، مرتکب شوید ولی دسته دیگر جرایم ثبتی، به عموم ملت برمی‌گردد و حتی ممکن است، مرتکب آن مامور یا کارمند اداره ثبت اسناد و املاک، باشد.

در خصوص نوع و قسمت اول جرائم، به موارد ذیل اشاره می‌گردد: ۱- بر اساس ماده ۱۰۰ از قانون ثبت؛ هر یک از مستخدمین و اجزای ثبت اسناد و املاک و صاحبان دفاتر رسمی عامداً یکی از جرمهای ذیل را مرتکب شود جاعل در اسناد رسمی محسوب و به مجازاتی که برای جعل و تزویر اسناد رسمی مقرر است محکوم خواهد شد:

اولاً- اسناد مجعوله یا مزوره را ثبت کند.

ثانیاً- سندی را بدون حضور اشخاصی که مطابق قانون باید حضور داشته باشند ثبت نماید.

ثالثاً- سندی را به اسم کسانی که آن معامله را نکرده‌اند ثبت کند.

رابعاً- تاریخ سند یا ثبت سندی را مقدم یا مؤخر در دفتر ثبت کند.

خامساً- تمام یا قسمتی از دفاتر ثبت را معدوم یا مکتوم کند یا ورقی از آن دفاتر را بکشد یا به وسایل متقلبانه دیگر ثبت سندی را از اعتبار و استفاده ببیندازد.

سادساً- اسناد انتقالی را با علم به عدم مالکیت انتقال دهنده ثبت کند.

سابعاً- سندی را که به طور وضوح سندیت نداشته و یا از سندیت افتاده، ثبت کند.

۲- هرگاه اعضای ثبت اسناد و املاک سندی را که مفاد آن مخالفت صریح با قوانین موضوعه مملکتی داشته ثبت کند، از یک سال تا سه سال از خدمات دولتی منفصل خواهد شد. که در ماده ۱۰۱ از قانون ثبت بدان اشاره شده است.

۳- هر یک از اعضای ثبت اسناد و املاک قبل از احراز هویت اشخاص و یا اهلیت اصحاب معامله و یا قابلیت موضوع معامله سندی را عمداً ثبت نماید به مجازات اداری فوق محکوم خواهد گردید.

۴- مطابق ماده ۱۰۳ از قانون فوق الذکر:

هر یک از مستخدمین و اجزای ثبت اسناد و املاک عامداً تصدیقاتی دهد که مخالف واقع باشد، در حکم جاعل اسناد رسمی خواهد بود.

۵- طبق ماده ۱۰۴ قانون ثبت؛

در موارد تقصیراتی که مجازات آنها به موجب این باب معین نشده مستخدمین و اجزای ثبت اسناد و املاک که مرتکب جرم عمومی و یا تقصیر اداری میشوند، موافق مقررات قوانین جزایی و یا قانون استخدام، تعقیب و مجازات خواهند شد.

اما در خصوص قسمت و نوع دوم جرائم می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- طبق ماده ۱۰۵ از قانون ثبت؛

جز در مورد مذکور در ماده ۳۳ (راجع به بیع شرط و امثال آن) هر کس تقاضای ثبت ملکی را بنماید که قبلاً به دیگری انتقال داده یا با علم به اینکه به نحوی از انحاء قانونی سلب مالکیت از او شده است تقاضای ثبت نماید، کلاهبردار محسوب میشود و همچنین است اگر در موقع تقاضا مالک بوده ولی در موقع ثبت ملک در دفتر ثبت املاک، مالک نبوده و مع هذا سند مالکیت بگیرد یا سند مالکیت نگرفته ولی پس از اخطار اداره ثبت، حاضر

جایگاه فقهی و حقوقی قاعده الحاکم ولی الممتنع و ارتباط آن با حق حبس زوجه

علی پورصادق کردی* دکتر اکبر فلاح** دکتر محمد علی خیراللهی***



یکی از قواعد مهم و مشهور فقهی و قضائی که عموماً در مورد امتناع و اجتناب از پرداخت حقوق به صورت پراکنده در ابواب مختلف کتب فقهی مشهور در باب بیع، نکاح، اجرای تعهدات، دین و حجر و شروط ضمن عقد، وغیره بکاررفته و دامنه آن وسیع و گسترده می باشد، قاعده الحاکم ولی الممتنع است.

ماهیت اصلی قاعده مذکور عبارت است از اینکه: چنانکه شخصی از پرداخت حقوق دیگران به هر طریقی امتناع و خودداری کند، در این صورت حاکم شرعی پس از احراز امتناع به جهت جلوگیری از هرج و مرج و حفظ نظم عمومی جامعه و تحقق و اجرای همه جانبه عدالت اجتماعی و حقوقی و خانوادگی و جلوگیری از اطاله دادرسی و تضییع حقوق دیگران و از همه مهمتر جمع بین حقین نسبت به پرداخت حقوق صاحب حق رأساً اقدام می نماید.

از سوی دیگر حق حبس در نکاح اینک: زن می تواند از تمکین در مقابل شوهر امتناع و خودداری کند، تا اینکه مهریه را وصول نماید، و این امر موجب سقوط نفقه زوجه نخواهد بود، البته در اجرای این حکم فقهی و حقوقی شرایط خاصی وجود دارد که از جمله آنها: حال بودن مهریه و عدم تمکین زوجه در برابر زوج و مطالبه مهریه است.

سوال اصلی در این مقاله این است که: در صورتی که زوجه از حق حبس استفاده کند، و زوج به زن مهریه ندهد، چنانچه این امر موجب بروز دعوا و نزاع بین آنها گردد، در این صورت برای رفع نزاع و جالش موجود از قاعده مشهور فقهی و قضائی با عنوان الحاکم ولی الممتنع و ارتباط آن با حق حبس زوجه چگونه استفاده می شود؟

در این مقاله ابتداءً ماهیت حق حبس و مبانی فقهی و نظرات فقهاء و ادله شرعی و آثار آن و همچنین ماهیت قاعده الحاکم ولی الممتنع و شرایط اجرای آن و ادله و مستندات شرعی آن و در نهایت ارتباط آن با حق حبس زوجه و نظرات فقهاء در جهت رفع نزاع موجود بررسی می شود.

۱- مقدمه

قاعده فقهی و حقوقی الحاکم ولی الممتنع جایگاه ویژه ای در حل و فصل دعاوی مدنی و خانوادگی در حقوق ایران دارد. این قاعده فقهی مبنای حل اختلاف در روابط حقوقی افراد در جامعه قرار می گیرد و قضات با استفاده از این قاعده فقهی اشخاصی را که راکه از پرداخت حقوق دیگران خودداری می کنند، اجبار به پرداخت حقوق آنها می نمایند.

بنابراین مهمترین کاربرد این قاعده فقهی در امور مالی مانند: بیع و غیر مالی مانند: نکاح و کاربرد این قاعده در تعهدات مانند: پرداخت مهریه و دین است. در حقیقت مسئله این است که کیفیت و چگونگی دخالت حاکم در امور افراد جامعه چگونه است؟ با این توضیح که حاکم چگونه به نمایندگی از ممتنع اقدام به احقاق حقوق اشخاص می نماید. در واقع آنچه مسلم است اینکه این قاعده فقهی و قضائی در حقوق ایران کاربرد فراوانی دارد و قضات در دادگاهها با استناد به این قاعده اقدام به اجبار متعهد به انجام تعهد و به تبع آن احقاق حق از سوی صاحب حق و برقراری عدالت و جلوگیری از تضییع حقوق می نمایند.

اما بی شک دخالت حاکم در امور افراد جامعه بدون قید و شرط نخواهد بود و دخالت حاکم در امور اشخاص در جامعه مطلق نیست و باید شرایط مقرر در قانون رعایت شود تا این

است، همچنین در اجرای ماده ۱۰۸۵ در باب نکاح و موضوع مهریه بیان شده، که زن می تواند، تا مهریه او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، که حق امر مسقط نفقه زوجه نیست. (امامی: ص ۱۳۷۶، ۳۹۵).

از سوی دیگر در عقد نکاح، به مجرد وقوع انشای عقد نکاح زوجه مالک مهری می شود، و او می تواند با مراجعه به حاکم و طرق قانونی مهر و حق خود را از زوج دریافت کند، اما بهترین ضمانت اجرای مهر، همان است که در فقه و قانون بیان شده است، و نوعی ذخیره مالکیت و حفظ آن است، یعنی زن تا زمانی که مهر خود را دریافت نکرده است، می تواند از تمکین و وظایف همسری خود در برابر زوج امتناع نماید، و زن با استفاده از این حق و امتناع از تمکین ناشزه نیست و حق نفقه اش ساقط نمی گردد، علت آن اینکه این حق از سوی شارع مقدس تعیین شده است، و نوعی اهرم فشار در وصول مهریه است. (کاتوزیان: ص ۱۳۸۵، ۱۲۵).

همچنین در مفهوم مهر بیان شده است که بین الزام مرد به دادن مهر و پیوند زناشویی رابطه علیت وجود ندارد. نباید نکاح را با خرید و فروش و سایر عقود معاوضی محض مانند: بیع و اجاره و غیره مقایسه کرد، با این اوصاف ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی در موردی خاص، قواعد معاملات معاوضی را در نکاح جاری کرده است، و از ویژگی های معاوضات حقیقی این است که طرفین عقد حق دارند مادامی که یک طرف عقد عوض خود را تسلیم ننموده، طرف مقابل نیز می تواند از تسلیم عوض خود در برابر طرف عقد خودداری نماید. به این دلیل حق حبس و ماهیت اصلی آن، نوعی تضمین و ضمانتی مناسب جهت وصول مهریه توسط زوجه می باشد، و پرداخت آن توسط زوج، بر اساس قانون است. (صفائی: ص ۱۳۸۴، ۱۴۸).

بنابراین آنچه که در خصوص حق حبس و اجرای آن در بیع و نکاح بیان شده است، بین حق حبس در بیع با حق حبس در نکاح تفاوتی وجود دارد که عبارتند از:

اولاً: حق حبس در بیع اصل و قاعده است، ولی حق حبس در نکاح استثناء است.

ثانیاً: حق حبس در بیع معاوضی محض است، اما در نکاح شبه معاوضی است.

ثالثاً: حق حبس در بیع طرفین عقد حق حبس دارند، در حالیکه در نکاح زن حق حبس دارد. (امامی: ص ۱۳۷۶، ۳۹۵).

۳- مبانی فقهی حق حبس در نکاح

مبانی فقهی حق حبس در عقد نکاح این است که: نکاح را از عقود معاوضی محض یا شبه معاوضی دانسته و به نظر اکثر فقهای امامیه عقد نکاح در صورت ذکر مهر نوعی معاوضه

قاعده فقهی در جایگاه مناسب خود قرار بگیرد. دخالت حاکم محدود به اموری می شود که اگر دخالت نکند باعث هرج و مرج و بی نظمی در جامعه خواهد شد. در این جا است که حاکم با استناد به این قاعده فقهی افرادی را که در جامعه در مقابل دیگران متعهد می شوند و از انجام تعهد امتناع می ورزند در چارچوب مقررات قانونی اجبار به انجام تعهد می نماید.

۲- ماهیت حق حبس در نکاح

حبس در لغت به معنای امتناع و اجتناب و منع و خودداری و احتباس است، اما حق حبس در اصطلاح به معنای حق خودداری یک طرف عقد از اجرای تعهد خود در برابر طرف قرارداد خود، تا طرف دیگر به اجرای تعهد خویش اقدام نماید. حق حبس در فقه و حقوق به دلیل تعدیل و تنظیم روابط دو جانبه یک تعهد و نیز مقرر داشتن نوعی ضمانت اجراء و ذخیره مالکیت و حفظ آن در صورت امتناع یک طرف از اجرای قرارداد خود اعمال می گردد، و آنچه که مهم است اینکه عموماً حق حبس و شرایط تحقق و آثار آن در قراردادهای معاوضی اعمال می شود. (شیخ طوسی: ص ۳۱۳، ۱۴۱۶).

در برخی از منابع فقهی به جای این اصطلاح از معنای احتباس و ممتنع و امتناع استفاده می شود. (شهید ثانی: ص ۱۳۹۶، ۳۴۲). در قانون مدنی ایران، تعبیر حق حبس در اجرای ماده ۳۷۷ در باب بیع و موضوع تسلیم عوضین و آثار بیع که مقرر شده، هر یک از بائع و مشتری حق دارد از تسلیم مبیع یا ثمن خودداری کند، تا طرف دیگر حاضر به تسلیم عوض شود، که حق خودداری از تسلیم مبیع و ثمن به طرف مقابل

در عقد نکاح، به مجرد وقوع انشای عقد نکاح زوجه مالک مهر می شود، و او می تواند با مراجعه به حاکم و طرق قانونی مهر و حق خود را از زوج دریافت کند، اما بهترین ضمانت اجرای مهر، همان است که در فقه و قانون بیان شده است، و نوعی ذخیره مالکیت و حفظ آن است، یعنی زن تا زمانی که مهر خود را دریافت نکرده است، می تواند از تمکین و وظایف همسری خود در برابر زوج امتناع نماید، و زن با استفاده از این حق و امتناع از تمکین ناشزه نیست

ادامه از صفحه قبل:

محسوب می‌شود و احکام عقود معاوضی مانند بیع در آن جاری می‌شود، به همین دلیل هر یک از زوجین به طور متقابل حق حبس و امتناع از انجام دادن وظیفه در برابر یکدیگر قائل شده‌اند.

زیرا در عقود معاوضی به دلیل رابطه متقابل عوضین و اصل دفاع متقابل در برابر یکدیگر، هر یک از متعاقدين حق دارد، تا زمانی که طرف مقابل به موضوع تعهد خود عمل نکرده، طرف دیگر عقد معاوضی نیز از انجام دادن موضوع تعهد خود در مقابل او امتناع کند. (محقق حلی: ص ۱۳۸۴، ۵۹۴).

همچنین در عقد معاوضی مانند بیع هر یک از مشتری و بایع حق دارند، از تسلیم مبیع یا ثمن به طرف دیگر خود امتناع کنند، تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود، در عقد نکاح نیز تا زمانی که زوج مهریه را نپرداخته، زوجه حق دارد از تمکین در مقابل زوج خودداری کند. به همین دلیل مرحوم نجفی اصفهانی عقد نکاح را نوعی عقد معاوضی می‌داند و می‌گوید: اگر در عقد نکاح مهریه برای زوجه ذکر می‌شود، اینک مهر را عوض البیض است و به همین دلیل عقد نکاح از جمله عقود معاوضی دانسته و حق حبس را در آن مطرح کرده‌اند. (نجفی: ص ۱۳۶۵، ۴۱).

صاحب ریاض المسائل نیز به دلیل اینکه عقد نکاح را از عقود معاوضی می‌داند معتقد است: در این عقد باید تقابض صورت بگیرد، یعنی در صورت حال بودن مهر، زوج باید آن را به همسر خود تسلیم کند و در مقابل زن هم باید خود را در اختیار زوج قرار دهد، در غیر این صورت هر یک از طرفین نسبت به یکدیگر حق حبس و امتناع خواهند داشت. (طباطبایی: ص ۱۴۱۹، ۱۸۳).

بنابراین حق حبس در عقد نکاح این است که زن می‌تواند تامهر به او تسلیم نشده، از وظایفی که در مقابل شوهر دارد، امتناع کند، مشروط بر این که مهریه او حال و نقدی باشد و این امتناع و خودداری از تمکین مسقط حق نفقه زن نخواهد بود.

حال مهمترین مبانی فقهی حق حبس در نکاح عبارتند از:

الف) عدالت و انصاف

ب) همبستگی تعهدات

ج) بنای متعاقدين و شرط ضمن عقد

د) بنای عقلاء

حال هر یک از موارد فوق مختصراً توضیح داده می‌شود.

الف) عدالت و انصاف

مبانی حق حبس در نکاح که زن می‌تواند از تمکین امتناع کند، تا مهریه را وصول کند، بر پایه عدالت و انصاف است، و بر اساس آن عدالت و انصاف اقتضای می‌کند که نباید به یکی از طرفین عقد اجازه داده شود، که انجام تعهد طرف مقابل را در خواست کند، بدون اینکه خود برای انجام تعهدی که از همان عقد برای او حاصل شده است، حاضر شود و از طرفی عدالت معاوضی بودن عقد ایجاب می‌کند که دو تعهد متقابل در یک زمان و در آن واحد اجراء شود و هیچ گونه تبعیضی در میان طرفین عقد نکاح وجود نداشته باشد. از سوی دیگر ممکن است یکی از طرفین اقدام به تسلیم عوض کند بدون اینکه طرف مقابل عوض را تحویل دهد. بنابراین عدالت و انصاف اقتضای می‌نماید که هر یک از زوجین در عقد نکاح از حق حبس استفاده نمایند. (کاتوزیان: ص ۱۳۸۵، ۱۲۵).

ب) همبستگی تعهدات

مبانی حق حبس در نکاح بر اساس همبستگی تعهدات بین طرفین عقد می‌باشد و نیز نکاح از نظر مشهور فقهاء یک عقد معاوضی محض یا شبه معاوضی است، در نتیجه مفهوم معاوضه نسبت به مهر و حق استمتاع به عنوان اثر فرعی و مادی محقق می‌شود و از این جهت حق حبس بین آنها دو مورد معاوضی مطرح می‌شود. و این مبنا حق حبس در نکاح، نظریه قول معروف و مشهور فقهای امامیه مانند: شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی و ابن ادریس و قاضی ابن براج و محقق حلی و علامه حلی و شهیدین و محقق کرکی و شیخ انصاری و صاحب ریاض که در فقه عنوان همبستگی تعهدات هر یک از طرفین عقد معاوضی نامیده می‌شود. (نجفی اصفهانی: ص ۱۳۶۵، ۴۰).

ج) بنای متعاقدين و شرط ضمن عقد

مبانی حق حبس در نکاح بین طرفین عقد زن و شوهر را از راه و قصد و شرط ضمنی طرفین عقد نکاح می‌دانند، و علت این امر اینست که بر تقابض طرفین عقد بر اساس قصد و نیت آندو است، و هر دو باید در مقابل یکدیگر تعهدات خود را اجراء

طرفین عقد می‌باشد و نیز نکاح از نظر مشهور فقهاء یک عقد معاوضی محض یا شبه معاوضی است، در نتیجه مفهوم معاوضه نسبت به مهر و حق استمتاع به عنوان اثر فرعی و مادی محقق می‌شود

نمایند، و در صورت امتناع یکی از طرفین عقد، طرف مقابل نیز از تسلیم عوض خود امتناع کند، و حق حبس نوعی حالت دفاع متقابل هر یک از طرفین عقد در برابر یکدیگر می‌باشد و این موضوع در نتیجه اطلاق عقد نکاح است. (شیخ انصاری: ص ۱۴۲۱، ۷۵).

د) بنای عقلاء

مبانی حق حبس در عقد نکاح و عقود معاوضی دیگر مانند بیع را ارتکاز عقلانی می‌دانند و معتقدند که: حق امتناع یا حق حبس از تمکین در مقابل شوهر تا اینکه زن مهریه را وصول کند، مانند حق مطالبه و سایر احکام بر عقود معاوضی است، مانند: بیع نظیر و جوب تسلیم و انتقال مالکیت

مبیع و ثمن و تساوی در حصول مالکیت تمام این موارد جزء احکام محض

عقلی و ارتکاز عقلانی می‌باشد، و در این حالت عقل هیچ گونه اولویت برای هیچ یک از طرفین عقد نسبت به انجام دادن تعهدات طرفین ندارد، و هر یک از زوجین هم مرد و هم زن می‌توانند از حق حبس طبق بنای عقلانی استفاده نمایند. (موسوی الخمینی: ره: ص ۱۳۸۰، ۵۶۴).

بنابراین مهمترین مبانی فقهی حق حبس زوج ارتکاز عقلایی است.

۴- نظرات فقهاء در مورد حق حبس در نکاح و ادله و مستندات شرعی آنها

حق حبس در نکاح این است که زن تا زمانی که مهریه را وصول نکرده، او می‌تواند از تمکین در مقابل زوج خودداری کند. در این زمینه فقهاء دو نظریه معتقد هستند که آنها عبارتند از:

الف) دیدگاه موافقین حق حبس و ادله و مستندات شرعی آنها
ب) دیدگاه مخالفین حق حبس و ادله و مستندات شرعی آنها
بنابراین هر یک از نظرات فقهاء و ادله و مستندات شرعی آنها در این خصوص توضیح داده می‌شود.

الف) دیدگاه موافقین حق حبس و ادله و مستندات شرعی آنها
مشهور فقهاء از جمله: شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی و ابن زهره حلبی و ابن ادریس و سلار دلمی و علامه حلی و محقق حلی و شهید ثانی و محقق کرکی و صاحب ریاض و صاحب جواهر و شیخ انصاری و دیگران معتقدند که: زن می‌تواند از تمکین در برابر شوهر خود امتناع کند، تا مهریه را وصول کند و برای اثبات دیدگاه خود ادله و مستندات شرعی زیر است: ادله و مستندات شرعی آنها عبارتند از:

اولاً: روایات

ثانیاً: اجماع

ثالثاً: معاوضی بودن عقد نکاح

رابعاً: ارتکاز عقلایی

حال هر یک از موارد فوق توضیح داده می‌شود.

اولاً: روایات

روایات به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌شود.

- روایات عام

برخی از فقهای امامیه برای اثبات حق حبس زوج به ادله عام نظیر نفی حرج و نفی ضرر استناد کرده‌اند. چنانکه در این خصوص بیان نموده‌اند: اگر برای زوجه حق حبس نباشد، وی متحمل عسر و حرج و ضرر میگردد و نوعی ظلم و ستم برای زن ایجاد می‌شود، همچنین در مورد استدلال فوق نکاتی باید مورد توجه قرار گیرد از جمله اینکه: اولاً: تمسک به دلیل نفی حرج یا نفی ضرر زمانی تمام است که طرق دیگر وصول مهر، پر مشقت یا هزینه سنگین و ملال آور است. بنابراین اگر زوجه بتواند مهر خود را بدون زحمت و صرف هزینه وصول کند، تحقق حرج یا ضرر منتفی خواهد بود. (نجفی

اصفهانی: ص ۱۳۶۵، ۴۱).

ثانیاً: تمسک به قواعد نفی حرج و نفی ضرر برای اثبات حق حبس زوج، متفرع بر آن است که نقش اثباتی این قواعد پذیرفته شود. بر اساس نظرات برخی فقهاء، مفاد و مضمون قواعد نفی حرج و نفی ضرر این است که از سوی شارع مقدس، حکم حرجی جعل نشده است. اما در مواردی که از نبود حکم حرج یا ضرر به وجود آید، با معاضدت قواعد فقهی مذکور، نمیتوان برای جلوگیری از حرج یا ضرر، حکم جعل کرد.

بنابراین قاعده فقهی نفی حرج یا نفی ضرر نمیتواند، اثبات حق حبس کند. همچنین هرگاه زوجه راهی برای وصول مهریه خویش نداشته باشد، یا راههای موجود پرهزینه یا پر مشقت باشد، وی میتواند از تمکین امتناع کند و در این موضوع میان قبل از آمیزش و پس از آن تفاوتی وجود ندارد، در نتیجه هرگاه زن پس از آمیزش و در طول دوران زندگی مشترک نیز مهرش را مطالبه کند، ولی زوج از پرداخت آن خودداری کند، زوجه حق حبس دارد، لذا عده‌ای از فقهاء با استناد به ادله نفی ضرر یا نفی حرج، برای زوجه حق حبس قائل هستند و در این حال این حکم را مختص قبل از آمیزش دانسته‌اند، صحیح و منطقی به نظر نمی‌رسد. (شیخ طوسی: ص ۱۴۱۶، ۳۱۵).

- روایات خاص یا همان مستندات شرعی حق حبس زن
مراد از روایات خاص، روایاتی است که به کابین و مهریه زن اختصاص دارد و به چهار مورد از آنها اشاره میشود.

روایت اول: ابوبصیر از حضرت امام صادق (ع) نقل کرده است: إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلَ الْمَرْأَةَ فَلَا يَحِلُّ لَهُ قَرْجُهَا حَتَّى يَسُقَ إِلَيْهَا شَيْئًا دَرَّ هَمًا فَمَا فَوْقَهُ أَوْ هَدِيَّةً مِنْ سَوِيْقٍ أَوْ غَيْرِهِ. (شیخ حر عاملی: ص ۴۰۶، ۲۵۴).

ترجمه: وقتی مردی با زنی ازدواج کرد، پس فرج زن بر مرد حلال نمیشود تا اینکه در همی یا بیشتر از آن برایش بفرستد، یا از آرد و مانند آن هدیه‌ای به او دهد.

روایت دوم: فی حدیث الحلبی، عن ابی عبدالله (ع)، فی المراه تهب نفسها للرجل ینکحها بغیر مهر، فقال: انما کان هذا للنسی (ص)، واما لغيره فلا یصلح هذا حتی یعوضها شیئاً یقدم الیها قبل ان یدخل بها، قل او کثر، ولو ثوب او درهم، و قال: یجزی الدرهم. (شیخ حر عاملی: ص ۱۴۰۶، ۲۵۵).

ترجمه: در مرد زنی سوال شده که خودش را به مردی هبه نموده، که بدون مهر با او ازدواج کند، پس گفت: هبه زن به مرد برای ازدواج مختص پیامبر (ص) است، برای دیگران شایسته نیست، تا اینکه عوض در نکاح که مهر است را زن قبل از نزدیکی دریافت کند. خواه مقدار آن کم یا زیاد یا لباس و درهم باشد.

روایت سوم: از امام جعفر صادق (ع) روایت شده است: عن الرجل یتزوج المراه فلا یكون عنده ما یعطیها فیدخل بها قال: لا یابس انما هو دین علیها. (شیخ حر عاملی: ص ۱۴۰۶، ۲۵۶).

ترجمه: در مورد مردی سوال شده است که او با زنی ازدواج نموده ولی در حال حاضر چیزی در نزد او نیست که به عنوان مهریه به زن بدهد، پس زوج با زوجه نزدیکی می‌کند، امام فرمود: اشکالی ندارد ولی بر ذمه زوج است که مهریه زن را بدهد و مهریه دین بر ذمه شوهر است.

روایت چهارم: عن حماد بن عثمان، عن ابی عبدالله (ع) قال: من تزوج المراه ولا یجعل فی نفسه ان یعطیها مهرها فهو زنی.

ترجمه: از امام جعفر صادق (ع) روایت شده است که: امام (ع) فرموده است: کسی با زنی ازدواج کند و او قصد کند که مهریه زن را بپردازد نکند، در این صورت زوج پس از نزدیکی با زن، عمل او در حکم زنا کار است.

روایت پنجم: عن اسماعیل بن کثیر بن بسام قال: قال ابوعبدالله (ع): السراق ثلاثه: مانع الزکاه، و مستحل مهور النساء، و کذلک من استدان دیناً ولم ینو قضاءه. (شیخ حر عاملی: ص ۱۴۰۶، ۲۶۸).

ترجمه: از امام صادق (ع) نقل شده است که: سارق بر سه گروه هستند و آنها عبارتند از: کسی که زکات نمی‌دهد و کسی که مالی را قرض می‌کند و قصد پرداخت آنرا ندارد و کسی که با زنی ازدواج نموده و مهریه زن را بپردازد نمی‌کند، چنین افرادی در حکم سارق می‌باشند.

روایت ششم: محمد بن سنان، عن الرضا (ع) قال: علیه المهر و وجوبه علی الرجال و لا یجب علی النساء ان یعطین ازواجهن، لان علی الرجل مونه المراه لان المراه بانعه نفسها و الرجل مشتری ولا یكون البیع الا بئمن، و لا الشراء بغیر اعطاء

الثمن، مع ان النساء محظورات عن التعامل والمتجر مع علل كثيره. (شیخ حرعاملی: ص ۱۴۰۶، ۲۶۸).

ترجمه: علت قراردادن مهریه ووجوب آن برای مرد اینست که زن به مرد مهریه نمی‌دهد این است که زوج موظف به پرداخت مخارج زن واهل بیت خوداست، ودراین موضوع زن درحکم فروشنده و مرد درحکم خریداراست، وبیع واقع نمی‌شود مگر اینکه خریدار ثمن مبیع را به بائع پرداخت کند، وخرید و فروش بدون پرداخت ثمن معنا ندارد، ازسوی دیگر زن در دادوستد نوعی ممنوعیت و محظوریت برای آنها وجود دارد، در نتیجه هزینه و مخارج زندگی برعهده زوج که از جمله آن پرداخت مهریه زن است.

ثانیا: اجماع

برخی از فقهاء در مورد حق حبس زوجه در نکاح بر اجماع استدلال نموده اند، البته اجماع مدرکی است و اجماع مدرکی دلیل ظنی است، که به روایات عام و خاص می‌کند.

والصحيح مادكرنا، لان الاجماع منعقد على ذلك، وهو مذهب السيد المرطضى في انتصاره. (ابن ادریس حلی: ص ۱۴۱۷، ۶۰۱).

ثالثا: معاوضی بودن عقد نکاح

از جمله ادله موافقین حق حبس زوجه ماهیت معاوضی بودن مهریه در نکاح است و مطابق این دلیل نکاح نوعی معاوضه میان منافع زن و مهریه او است و حالت معاوضه حقیقی است و اتفاق نظر همه علماء از زمان شیخ مفید گرفته تا علامه حلی و دیگران این است که برای بضع زن عوض وجود دارد، که همان مهریه است. (شهید ثانی: ص ۱۳۹۶، ۳۴۲).

بنابراین زوجه در نکاح حق حبس دارد و تازمانی که مهریه را نقدا وصول نکرده است، می‌توان از تمکین در برابر زوج امتناع کند.

رابعا: ارتکاز عقلایی

ارتکاز عقلایی عبارت است از: سیره و روش خردمندان جهان است، و این موضوع یعنی عقلاء بما هم عقلاء است و همه ملل و فرقی و مذاهب جهان این مسئله را قبول دارند و یک اصل مسلم عقلی می‌باشد و در این صورت عقل حکم می‌کند که زوجه تا مهریه را کامل وصول نکند او می‌تواند، از تمکین امتناع کند. (امام خمینی (ره): ص ۱۳۸۰، ۵۶۳).

حال در این قسمت نظرات برخی از فقهاء بیان می‌شود.

شیخ طوسی در مورد حق حبس زوجه می‌گوید: در عقد نکاح زن می‌تواند تا زمان دریافت مهر از حق حبس بهره برده، و از تمکین و تسلیم خود به شوهر امتناع ورزد. (شیخ طوسی: ص ۴۱۶، ۳۱۳).

محقق حلی هم در مختصر النافع به وجود این حق برای زوجه اذعان دارد و می‌گوید: زن حق دارد از تمکین امتناع کند تا مهرش را بگیرد. (محقق حلی: ص ۱۳۸۴، ۱۹۱).

علامه حلی در تحریر الاحکام ضمن تأیید تبعیض در مهر از حیث حال و مؤجل بودن، معتقد است: حق حبس تا زمان قبض مقدار حال از مهر وجود دارد؛ اما پس از قبض مهر حال، حق حبس وی ساقط می‌شود. (علامه حلی: ص ۱۴۲۰، ۳۵۴).

شیخ محمد حسن نجفی اصفهانی معتقد است: قبل از برقراری رابطه جنسی با شوهر، وجود حق حبس برای زن اجماعی و نیز برخی از روایات عام و خاص است. وی می‌گوید: زن قبل از عمل نزدیکی با شوهر می‌تواند از تسلیم خود به شوهر امتناع کند. نجفی اصفهانی: ص ۱۳۶۵، ۴۵).

خوانساری نیز در این زمینه ادعای شهرت فتوائیه نموده و در این مسئله می‌گوید: مشهور بین فقهای امامیه این است که زن قبل از انجام عمل زناشویی و دریافت تمام مهر، حق امتناع و حق حبس دارد و می‌تواند از تسلیم خود به شوهرش خودداری کند. (خوانساری: ص ۱۴۰۶، ۴۲۶).

بنابراین بهترین دلیل برای اثبات حق حبس زوجه در جهت وصول مهریه ارتکاز عقلایی است.

ب) دیدگاه مخالفین حق حبس و ادله مستندات شرعی آنها مرحوم مقدس اردبیلی و شیخ یوسف بحرانی و میزایی قمی و میزرا محمد تفرشی از علمای قرن دهم هجری و در عصر طلای اخبار گرایان و دوره صفویه ظهور نموده‌اند و در مورد حق حبس زن در نکاح معتقدند که: زوجه در نکاح حق حبس ندارد و هر یک از زوجین بعد از وقوع عقد نکاح مکلف و ملزم به رعایت حقوق و تکالیف مشترک و مختص در برابر یکدیگر هستند.

ادله و مستندات شرعی این گروه از فقهاء عبارتند از:

الف) در متن قرآن و روایت هیچ گونه نص شرعی در مورد حق حبس زن در نکاح وارد نشده است، در نتیجه زوجه مکلف به تمکین و اجرای تکلیف شرعی در برابر زوج است.

ب) بواسطه وقوع عقد نکاح حقوق و تکالیف زوجین در مقابل

یکدیگر ایجاد می‌شود، و آندو مکلف هستند، که در مقابل یکدیگر تکلیف خود را انجام دهند و حق ندارند، از انجام آن امتناع کنند، زوج وظیفه دارد به زن نفقه و مهریه و اجاره المثل و غیره پرداخت کند در مقابل زوجه نیز وظیفه دارد، در برابر شوهر تمکین خاص کند.

ج) اگر هر یک از زوجین پس از وقوع عقد نکاح از حق حبس استفاده کنند و در مقابل یکدیگر ایفای نقش نکنند، این امر موجب تزلزل کانون و بنیان خانواده و در نهایت طلاق می‌شود، که این امر موجب مغیوضیت شارع است.

حال اینکه هدف از اصلی از نکاح و مقررات شرعی آن صیانت و حفظ کانون مقدس خانواده است. (بحرانی: ص ۱۴۱۰، ۴۶۱).

د) نکاح معاوضه حقیقی نیست، بلکه نکاح امر دینی و دارای قداست و ارزش خاص می‌باشد و با امور مالی قابل قیاس نیست، بر همین اساس نکاح در ابتداء جنبه اقتصادی ندارد، ولی در استمرار آن مالی است.

ر) شرط ضمنی عرفی

یکی دیگر از ادله مخالفین حق حبس زوجه شرط ضمنی عرفی است و در برخی از عرفها پیش از نزدیکی با زن، رسم برای منوال بوده و هست که زوج مهریه را به زوجه تقدیم می‌کند و اگر این عمل انجام نشود زوجه حق حبس دارد. با عنایت به مطالبی که در عبارت فوق بیان شده است امروزه در زندگی مشترک زوجین حق حبس معنادار و کانونی و گرجی و حکمت نیا و مکارم شیرازی بر این امر معتقد می‌باشند که: هدف زوجین تشکیل خانواده و نیز انجام تکالیف مشترک و مختص در کنار یکدیگر است و اگر هر یک از زوجین بخواهند از حق حبس استفاده کنند، یعنی زن بگوید تا مهریه ندادی تمکین نمی‌کنم و زوج بگوید تا تمکین نکردی مهریه نمی‌دهم، موجب تزلزل و استهجان وجه بسا تباهی خانواده و جدای هر یک از زوجین که همه این موارد باعث بروز اختلافات خانوادگی و در نهایت طلاق می‌گردد که امر ضرر و عسر و حرج برای هر یک از زوجین و در نهایت نابودی خانواده و جامعه و تباهی نسل و فرزندان می‌شود.

ازسوی دیگر در بسیاری از عرف‌های قدیم کشور ما حتی در عصر کنونی رسم بر این است که پس از نکاح، زن بدون اینکه مهریه را از شوهر مطالبه کند،

پس از عروسی بین زوجین نزدیکی صورت می‌گیرد و فرصتی برای اجراء و اعمال حق حبس بین آنها وجود ندارد.

بنابراین مقوله حق حبس معنا ندارد، بلکه هر یک از زوجین در محیط خانواده تکالیف مشترک و مختص خود را به نحوه احسن اجراء و عمل کنند، که این امر موجب استحکام خانواده می‌شود. (مکارم شیرازی: ص ۱۳۸۹، ۱۲۹).

۵- آثار حق حبس زن در نکاح

به محض وقوع عقد نکاح، حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر شکل می‌گیرد و تکالیف و تعهدات آنها در مقابل یکدیگر به دو بخش اساسی تقسیم می‌شود که آنها عبارتند از:

الف) تعهدات غیر مالی زوجین

ب) تعهدات مالی زوجین

خانواده نیز به عنوان یک نهاد حقوقی هر دو جنبه مالی و غیر مالی را در بر می‌گیرد، اما از آنجا که خانواده خود یک قرارداد غیر مالی است، بررسی حقوق و روابط غیر مالی همسران در آن بسیار حائز اهمیت است، حقوق غیر مالی زوجین یا به صورت حقوق مشترک میان آن دو است مانند: اصل وفاداری و حسن معاشرت و غیره و یا مانند حقوق ناشی از ریاست مرد در خانواده، مخصوص یکی از زوجین است.

در هر صورت حقوق غیر مالی خانواده، از آنجا که وابستگی شدیدی به عرف و اخلاق دارد در طول زمان، همیشه دستخوش تغییرات زیادی بوده و می‌باشد و نظرات فقهاء و اندیشمندان هم از عرف و نگرش غالب مردم زمان آنها بی‌تأثیر نبوده است. (صفایی: ص ۱۳۸۵، ۱۱۹).

همچنین بواسطه وقوع عقد نکاح بین زوجین حقوق و تکالیف مالی نیز ایجاد می‌شود که مهمترین آنها عبارتند از: مهریه، نفقه، ارث، اجاره المثل، حق شیر، شیر بهاء و نحل که نوعی هدیه است، می‌باشد.

حق حبس زن در نکاح که زن می‌تواند، تا مهریه به او تسلیم نشده از ایفای وظایف که در مقابل شوهر دارد امتناع کند. در این حق و نحوه اجرای آن آثار فقهی ایجاد می‌شود که عبارتند از:

الف) تعلیق اجرای تعهدات زوجین

ب) امتیاز نبودن حق حبس زوجین

بارزترین اثری که اعمال حق حبس در عقد و تعهد، مترتب می‌شود، تعلیق و توقف اجرای تعهد برای مدت متعارف است. به عنوان مثال در عقد بیع در صورتی که مشتری از پرداخت ثمن امتناع کند و بائع با تحقق شرایط حق حبس با این حق خود استناد کند، و از تسلیم مبیع به مشتری امتناع کند، تازمانی که خریدار ثمن پرداخت کند، در این صورت قرارداد متزلزل و مراعی و معلق می‌ماند، و از این عنوان دو نتیجه شکل می‌گیرد.

نتیجه اول: بقای تعهد با اعمال حق حبس

نتیجه دوم: موقتی بودن حق حبس

اما در نتیجه اول که هدف از اعمال حق حبس آن است که تساوی بین طرفین عقد برقرار شود و هیچ یک بر دیگری در تسلیم و تسلیم یکی از عوضین بر دیگری برتری ندارند. (نجفی اصفهانی: ص ۱۳۶۵، ۱۴۶).

بنابراین اجرای اعمال حق حبس در عقد بیع یا اجرای تعهد هیچ لطمه و ضربه‌ای به ذات عقد وارد نمی‌کند، بلکه این حسن و خوبی را دارد که طرف دیگر به اجرای تعهد خود مجبور گردد. اما در نتیجه دوهفد از اجرای حق حبس در تعهد و بیع به عنوان یک اهرم فشار و نوعی مکانیسم ذخیره مالکیت برای هر یک از طرفین عقد بیع می‌باشد، ازسوی دیگر دائمی بودن حق حبس با هدف آن مغایرت حقوقی دارد.

اگر یکی از طرفین به تعهد خود عمل کند، طرف دیگر عقد بیع نیز باید به تعهد خود وفا کند، زیرا یکی از شرایط تحقق حق حبس عدم تسلیم عوضین به طرف مقابل عقد است. (شیخ انصاری: ص ۱۴۲۱، ۱۶۵).

حال پرسش اصلی در این موضوع این است که تعلیق اجرای حق حبس تاچه زمانی خواهد بود، آیا تاهر زمانی که بخواهند یا خیر؟

در پاسخ به این سوال که با تفحص و تتبع و بررسی از کتب فقهی و حقوقی که در این زمینه انجام شده است، در این مسئله نص خاصی و ادله‌ای بیان نشده است، اما آنچه از کلام فقهای مشهور مانند: ابن جنید و سید مرتضی و شیخ مفید و شیخ طوسی و محقق حلی و شهیدین و علامه حلی و دیگران بیان شده است اینکه تاهیهج یک از طرف مقابل عقد حاضر به تسلیم عوض خود نشده است، طرف دیگر نیز هر زمان بخواهد می‌تواند از حق حبس و امتناع استفاده نماید. (طباطبایی: ص ۱۴۱۴، ۱۶۴). حتی فقهای معاصر مانند: آیت الله خوئی و آیت الله مکارم شیرازی و نوری همدانی و سیستانی و امام خمینی (ره) و آیات عظام دیگر مبنی بر اینکه، تازمانی که طرف دیگر حاضر به تسلیم نشده باشد، حابس می‌تواند اجرای تعهد خود را معلق کند، تا طرف مقابل به تعهد خود عمل نماید. اما آنچه مسلم است، اینکه نمی‌توان در این موضوع تا بد و دائمی منتظر ماند، تا یکی از طرفین به تعهد خود اقدام نماید.

بنابراین نتیجه مهم در مورد تعلیق اجرای تعهد در مورد حق حبس اینست که این حق ابدی و همیشگی نیست و موقتی می‌باشد. راه حل آن اجرای قاعده قضائی الحاکم ولی الممتنع است، که هر یک از آندو به تسلیم و تسلیم عوضین مجبور خواهند شد. (آندرز: ص ۱۳۹۴، ۲۰۱).

۶- ماهیت قاعده قضائی الحاکم ولی الممتنع

قبل از بیان ماهیت فقهی و قضائی قاعده الحاکم ولی الممتنع لازم است، ابتداء معنای سه واژه یعنی: الحاکم، ولی، و ممتنع جهت فهمیدن و درک بهتر قاعده مذکور بررسی می‌گردد که عبارتند از:

الف) واژه حاکم: اهل لغت حکم را به معنای منع گرفته و حاکم را نیز بر همان اساس معنا می‌کنند، همچنین اصل واژه حکم از منع و اجتناب است برای اصلاح ذات البین، و به افسار چهار پایان حکم گفته می‌شود و حکم به چیزی یعنی قضاوت به این که چنین است یا چنان نیست، با صرف نظر از این که این قضاوت الزامی برای دیگران به وجود بیاورد یا خیر و غیره، به کسی که میان مردم حکم و داوری می‌نماید، حاکم و حکام گفته می‌شود، و منع ستمگر از ستم کاری می‌داند. (ابن

شیخ طوسی در مورد حق حبس زوجه می‌گویند: در عقد نکاح زن می‌تواند تا زمان دریافت مهر از حق حبس بهره برده، و از تمکین و تسلیم خود به شوهر امتناع ورزد

منظور: ص ۱۴۰۷، ۱۲۴۰).

با توجه به آن چه که نقل شد، یکی از فقهاء می نویسد: با جست وجو در کتاب و سنت روشن می شود که واژه های حکم، حکومت، حاکم و حکام بیش تر در مورد قضاء و قاضی به کار می روند؛ اگر چه در معنای ولایت عامه و والی نیز استعمال می شود؛ ایشان سپس با ذکر شواهدی از آیات و روایات تأکید می نمایند، که حکم و مشتقات آن به هر دو معنا به کار رفته و می رود و بالاخره این نکته را می افزایند که: بین این دو معنا (قضاوت و زعامت) اشتراک معنوی وجود دارد نه اشتراک لفظی، زیرا هم قاضی و هم والی با کلام و دستور خود از فساد منع می نمایند و قضاوت شعبه ای از زعامت است و قدرت آن در خارج، غالباً از ناحیه قدرت زعیم و نیروهای اوست و گرنه قاضی به تنهایی توان منع کردن و اجرای دستور را ندارد. (محقق حلی: ص ۶۹، ۱۳۸۴).

از سوی دیگر با توجه به موارد دیگر کاربرد کلمه حاکم در فقه، به نظر می رسد مقصود از این واژه در اینجا عبارت است از فقیه جامع الشرایط که علاوه بر سمت قضا و سمت دادستان، سمت محتسب به معنای عام آن را دارا بوده و دارای صلاحیت اداری وسیعی است. زیرا چنان که می دانیم شئون فقیه جامع الشرایط متعدد بوده و علاوه بر ولایت برافشاء و ولایت زعامت، دارای ولایت قضایی نیز بوده و نه تنها قضاوت در اختیار اوست بلکه هر کس دیگری نیز جهت تصدی این امر باید مأذون و منصوب از ناحیه وی باشد. بنابراین حاکم در این جا به معنای زمامدار جامعه است و به همین دلیل است که این قاعده در لسان بسیاری از فقها به عنوان السلطان ولی الممتنع مطرح شده و یا به جای حاکم، واژه امام را استعمال نموده اند. (ابن ادریس حلی: ص ۱۴۱۷، ۸۵).

ب) واژه ولی: این واژه برگرفته از مصدر خود یعنی ولایت است که دارای معنای فراوانی است. آن گونه که اکثر اهل لغت گفته اند: کلمه ولایت به فتح واو به معنای نصرت و دوستی است، در حالی که همین کلمه به کسر واو معنای امارت و سرپرستی را می دهد. برخی نیز احتمال داده اند که هر دو کلمه به معنای قرابت باشد که بی مناسبت با سطر و سرپرستی نیز نیست، تردیدی نیست که مقصود از ولی در این جا همان دارای حق تصرف و سرپرستی امور دیگری است، کسی که در مواقع ضروری می تواند دیگری را اجبار به ترک یا فعل امری نموده و یا خود رأساً از جانب او اقدام نماید. به تعبیر یکی از نویسندگان (ولی) در فرهنگ حقوقی ما عبارت است از کسی که به حکم قانون اختیار دیگری یا دیگران را در قسمتی از امور دارا می باشد، خواه در امور خصوصی مانند: ولایت پدر و جد نسبت به صغیر استعمال می شود (جعفری لنگرودی: ص ۱۳۹۲، ۲۴۵). و نیز در امور عمومی مانند: اختیار هر یک از کارمندان دولت در حدود شغل خود. به همین جهت هر یک از کارمندان دولت را در فقه والی و جمع آن ها را ولایت (بضم واو) می گفتند چنین ولایتی که از نوع ولایت تشریعی است به ادله اربعه برای پیامبر اکرم و ائمه اطهار (ع) وجود داشته و اثبات آن برای فقیه جامع الشرایط چیزی است که به عنوان ولایت در تصرف (علاوه بر ولایت در فتوی و قضاء) مورد بحث در کتب فقهی است. (موسوی الخمینی: ص ۱۳۸۰، ۵۴۹).

ج) واژه ممتنع: ممتنع که اسم فاعل باب افتعال و از ریشه منع می باشد به معنای امتناع کننده است؛ یعنی کسی که از امری یا کاری باز ایستد و سرپیچی کند. هم چنین ممکن است این واژه به معنای محال و غیرممکن نیز به کار رود امتناع در این قاعده در معنای نخست به کار رفته و با نگاهی به تمامی موارد جریان قاعده معلوم می گردد که مقصود فقهاء از ممتنع کسی است که از انجام تکالیف قانونی خویش استنکاف ورزیده و یا از رسیدن صاحبان حق به حق خویش جلوگیری می نمایند. مانند: خودداری زوج از پرداخت نفقه با وجود تمکن یا امتناع شریک از تقسیم مال الشریکه. (شهید ثانی: ص ۱۳۹۶، ۱۸۴).

از آن چه گفته شد پیداست که، آن گونه که برخی پنداشته اند، این قاعده در بر گیرنده مواردی نیست که انجام امری محال و غیرممکن باشد، بلکه برای تحقق موضوع قاعده، ضروری است به رغم امکان انجام عملی، مکلف از انجام آن خودداری نماید. به عبارت دیگر آنچه چه موجب ولایت حاکم بر ممتنع می گردد امتناع اختیاری است نه امتناع قهری نکته جالبی که در همین جا مورد تیزبینی و دقت نظر فقهاء قرار گرفته است آن است که آیا مقصود از ممتنع کسی است که حتی به رغم اجبار حاکم از امتناع خویش دست بر نمی دارد یا برای اعمال ولایت حاکم تنها سرپیچی اولیه کافی بوده و نیازی به اجبار وی از سوی حاکم نیست؟ بسیاری از بزرگان فقه در ضمن مواردی که

ه برخی از فقهاء تصریح کرده اند که در مواردی نظیر خودداری دائن از قبول دین، مدیون نمی تواند رأساً اقدام به اجبار ممتنع نماید. اجازه اقدام خودسرانه به افراد نقض غرض و موجب هرج و مرج خواهد بود

به قاعده استناد نموده اند اجبار را لازم دانسته و مقصودشان از ممتنع کسی است که ولو بالاچاره از انجام وظیفه خودداری می نماید. (نجفی اصفهانی: ص ۱۳۶۵، ۲۷۸).

با شناختی که از واژگان این قاعده فقهی به دست آوردیم، اکنون می توان ماهیت و مفهوم کلی آن را چنین بیان کرد: هر گاه کسی از ادای حقوق دیگران خودداری ورزیده یا از انجام تکالیف قانونی خویش امتناع ورزد و یا مانع رسیدن افراد به حقوق خود گردد، حاکم جامعه اسلامی یا منصوبین وی می توانند به قائم مقامی از او عمل نموده و آن چه را که وظیفه او است از باب ولایت به انجام رسانند. بنابراین امتناع و نیز وجود حاکم دوشروط اساسی در جریان این قاعده اند. شرط دیگر مطالبه و درخواست ذی حق است که اینک به اختصار مورد بحث قرار خواهند گرفت.

الف) احراز امتناع: در این قاعده نیز همانند سایر قواعد فقهی، اولین شرط برای اجرای قاعده احراز موضوع و یا به تعبیر فقهاء عقد الوضع قاعده می باشد. به بیان دیگر احراز امتناع نخستین نکته ای است که باید در نظر گرفت و تا حاکم کسی را به واقع (ممتنع) نشناسد نخواهد توانست از باب ولایت بر ممتنع اقدامی نماید. درست به همین دلیل است که در تمام موارد استناد به قاعده، قبل از هر چیز سخن از اجبار و الزام ممتنع به میان آمده است. به طور مثال چنان که خواهیم دید حاکم اسلامی پیش از آن که اموال احتکاری را خود به فروش برساند، به عقیده فقهاء لازم است که محتکر را مجبور به فروش نماید و تنها در صورت خودداری اوست که حاکم اعمال ولایت می نماید.

ضرورت اجبار و الزام ناشی از چیزی جز احراز امتناع نیست و لذا حتی در مسئله طلاق به دلیل عجز شوهر از انفاق نیز اجبار را پیش از طلاق ولایی لازم دانسته اند و این معنایی نخواهد داشت، مگر به منظور اثبات عجز و در عین حال امتناع از طلاق زوجه است. (صفایی: ص ۱۳۸۴، ۱۷۸).

ب) وجود حاکم: ولایت بر ممتنع تنها برای حاکم یا منصوبین از سوی وی ثابت است، زیرا چنان که خواهیم گفت هدف اساسی و مبنای وضع چنین حکمی حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از ظلم و هرج و مرج و توسعه عدالت اجتماعی و حقوقی و خانوادگی است و تحقق چنین هدفی جز با واگذاری امر به حکومت و حاکم ممکن نیست.

با توجه به همین نکته است که برخی از فقهاء تصریح کرده اند که در مواردی نظیر خودداری دائن از قبول دین، مدیون نمی تواند رأساً اقدام به اجبار ممتنع نماید. اجازه اقدام خودسرانه به افراد نقض غرض و موجب هرج و مرج خواهد بود. (شیخ انصاری: ص ۱۴۲۱، ۹۷).

ج) تقاضای صاحب حق: به نظر می رسد مطالبه و تقاضای صاحب حق را نیز باید یکی دیگر از شروط اعمال ولایت بر ممتنع به شمار آورد. به بیان دیگر مراجعه وی به حاکم است که زمینه دخالت او را به وجود می آورد. برای اثبات این شرط می توان به هدف از وضع قاعده اشاره کرد. در صورتی که صاحب حق، از مطالبه حق خود چشم پوشی نماید. موضوعی برای حفظ نظم عمومی، احقاق حق و جلوگیری از مخاصمه و درگیری پیش نمی آید.

۷- مستندات فقهی قاعده الحاکم ولی الممتنع

بارزترین ادله و مستندات فقهی قاعده مذکور عبارتند از:
الف) دلیل عام

اکثر فقهاء برای استناد به این قاعده نیازی به استدلال و ارائه دلیل ندیده و به عنوان اصلی مسلم و خدشه ناپذیر به قاعده ولایت حاکم بر ممتنع نگریسته اند، سرچنین برداشتی یا وضوح حکم و پشتوانه روشن عقلی و سیره بنای عقلایی آن بوده است و یابین که ادله ولایت فقیه را کافی و بی نیاز کننده از این بحث می دانسته اند. توضیح این که ولایت فقیه وسعه

آن و شئونی که مجتهد جامع الشرایط داراست از ژرف ترین و درهمان حال کهن سال ترین مباحث فقهی است. شاید بتوان گفت هیچ فقیه ای دراصل ثبوت این ولایت تردید نداشته و به تعبیر مرحوم صاحب جواهر: کسی که در این امر تردید نماید، اصلاً طعم فقه را نچشیده و از رموز سخنان معصومین چیزی نفهمیده است. (نجفی اصفهانی: ص ۱۳۶۵، ۲۷۸).

آری آن چه مورد بحث واقع شده محدود به این ولایت و سعه یا ضیق آن است که در نتیجه برخی قائل به عمومیت ولایت فقیه شده و برخی دیگر آن را در برخی مرزها محدود ساخته اند. اما به هر حال و بنا بر هر دو قول ولایت بر ممتنع پذیرفته شده است. به همین دلیل در بسیاری از موارد پس از حکم به ولایت حاکم بر ممتنع، آن را نتیجه ولایت مجتهد و ناشی از جعل این حق برای او می دانند. با چنین بینشی ما نیازی به بحث از مدارک و مستندات این قاعده، به طور خاص، نداشته و باید آن را به بحث ولایت فقیه موکول نماییم، چنان که برخی نیز همین را پسندیده اند.

نکته دیگری که نباید ناگفته گذاشت آن است که عبارت الحاکم ولی الممتنع، در هیچ یک از متون روایی نیامده و این عبارت، با چنین الفاظی، اصطیاد (عقلی) از قواعد کلی و روایاتی است که با همین مضمون سخن می گویند. به همین جهت است که از این قاعده با تعبیر مختلفی یاد شده است. در اکثر کتاب های قدیمی نظیر مقنعه، نهاییه، وسیله، اصباح الشیعه تعبیر به سلطان شده است. (نجفی اصفهانی: ص ۱۳۶۵، ۱۶۴).

شیخ انصاری نیز چنین تعبیر می کند که السلطان ولی الممتنع.

برخی از فقها نیز از واژه امام بهره برده اند که قطعاً مقصودشان حضرات معصومین نبوده و همان حاکم و زمامدار را در نظر داشته اند که در کلمات متأخرین متداول شده است. جالب این که ابن ادریس با جمع بین هر دو واژه چنین می فرماید: کان علی السلطان و الحکام من قبلها؛ این نکته ارتباط قاعده با ولایت فقیه تأیید شده و نشان می دهد مقصود از حاکم در این قاعده فقیه جامع الشرایط است که قضات منصوب از ناحیه او نیز صلاحیت اعمال این ولایت را دارند. (ابن ادریس حلی: ص ۱۴۱۷، ۹۵).

ب) ادله خاص

روایات: گفته شد که الحاکم ولی الممتنع، به این شکل در روایتی نیامده است، اما مضمون آن را در برخی روایات می توان یافت. این روایات در ابواب مختلف وارد شده و با چشم پوشی از ضعف سندی که در برخی از آن ها است دلالت بر ولایت حاکم جامعه اسلامی یا قضات منصوب از ناحیه او بر ممتنعین دارند.

روایت اول از سلمه بن کهیل در باب ادای دین

عن سلمه بن کهیل، قال: سمعت علیاً (ع) یقول لشریح: نظر الی اهل المعک و المطل و دفع حقوق الناس من اهل المقدره و البسار ممن یدلی باموال الناس الی الحکام، فخذ للناس بحقوقهم منهم و بع فیها العقار و الدیار فانی سمعت رسول الله (ص) یقول: «مطل المسلم المومر ظلم للمسلم» و من لم یکن له عقار و لا دار و لا مال فلا سبیل علی.

بر اساس این روایت، حضرت علی (ع) به شریح، که قاضی مشهور و منصوب وی است، می فرماید: اگر مدیونی، با وجود توانایی و گشایش، از ادای دیون خویش خودداری می ورزد، با فروش خانه و باغ (و سایر اموال او)، حقوق دیگران را استیفا کن. (شیخ حر عاملی: ص ۱۴۰۶، ۲۱۴).

با توجه به مفهوم روایت به نظر می رسد که بتوان روایت را حمل بر مورد خاص و تفویض ولایت به شخص شریح نمود. حتی، اگر چنین هم باشد، اصل وجود چنین ولایتی برای حاکم جامعه به راحتی قابل استفاده است، به ویژه آن که با توجه به ادله ولایت فقیه تفاوتی بین امام معصوم و فقیه جامع الشرایط در این زمینه ها نیست.

روایت دوم از حدیثه در باب فروش مال احتکار

عن ابی عبد الله (ع): قد الطعام علی عهد رسول الله (ص) فاتاه المسلمون فقالوا: یا رسول الله، قد نفذ الطعام و لم یبق منه شی الا عند فلان، فمره ببیعه. قال: فحمد الله و اثنی علیه ثم قال یا فلان، ان المسلمین ذکروا ان الطعام قد نفذ الا شی عندک، فاخرجه و بعه کیف شئت و لا تحبسه.

در این روایت نیز، امر پیامبر به بیع، ظهور در وجوب داشته و مختص زمان ایشان هم نمی باشد. البته در متن فوق ذکری از امتناع به میان نیامده است اما در وضعیتی مشابه آن چه در روایت توصیف شده، امتناع دارنده طعام از فروش آن امری طبیعی است. این امر از مراجع مسلمانان به پیامبر و

ادامه از صفحه قبل

تقاضای صدور دستور فروش نیز قابل استظهار است. (شیخ حر عاملی: ص ۱۴۰۶، ۱۹۷).

روایت سوم ابوبصیر در باب نفقه زوج

قال: سمعت ابا جعفر (ع) يقول: من كانت عنده امرأة فلم يكسها ما يورى عورتها و يطعمها ما يقيم صلبها كان حق علي الامام ان يفرق بينهما، وروایت فوق را چه در مورد عاجز از انفاق بدانیم و چه در مورد متمتع از آن، ظهور در این دارد که از طلاق زوجه خودداری می نماید. امام باقر (ع) در چنین جایی جداسازی به وسیله حاکم را به عنوان راه حل نهایی پذیرفته اند. (شیخ حر عاملی: ص ۱۴۰۶، ۲۹۷).

ج: دلیل عقل و بنای عقلا: حفظ نظم عمومی و اجرای عدالت اجتماعی، آرمان و شعار تمامی افراد بشر است، آرزوی مقدس و هدفی مهم که تمام حکومتها ناچار به پذیرش آن شده و آن را فلسفه وجودی خود اعلام می نمایند. بنا به تصریح قرآن کریم، حداقل یکی از اهداف اساسی ارسال رسل و برپایی نظام الهی نیز همین است. و لذا از ادله ای که برای اثبات اصل مسئله ولایت فقیه بر آن تکیه می شود، این حکم بدیهی عقلی است. از سوی دیگر معلوم است که تمامی افراد جامعه پای بند به مقررات قانون و ضوابط اخلاقی نبوده و همیشه می توان کسانی را یافت که از انجام وظایف قانونی یا احترام به حقوق دیگران امتناع می ورزند. (موسوی خمینی: ص ۵۹۸، ۱۳۸۰).

د: قاعده لاضرر و لاضرار: شیخ انصاری قاعده لاضرر را به عنوان دلیلی بر ولایت حاکم بر متمتع مطرح ساخته و بر این باور است که اصولا مورد روایت همین امر است، زیرا سمره بن جندب هم از بیع درخت خویش امتناع می ورزید و هم از استیذان برای ورود به خانه انصاری و به دلیل همین امتناع پیامبر ولایت او بر مالش را ساقط دانسته و دستور قطع درخت را صادر فرمود. (شیخ انصاری: ص ۴۸، ۱۴۲۱).

۸- ارتباط قاعده الحاکم ولی الممتنع با حق حبس زوجه

مفهوم قاعده قضائی مذکور در فقه این است که هرگاه شخص متمتع از پرداخت دین و حقوق دیگران به نحوی امتناع ورزد، در این صورت حاکم شرعی پس از احراز امتناع و وجود صاحب حق به جهت جلوگیری از هرج و مرج و حفظ نظم عمومی جامعه و اجرای عدالت اجتماعی و از همه مهمتر جلوگیری از چالش خانوادگی رأساً اقدام می نماید.

پرسش مهمی که در این زمینه به ذهن تداعی می کند، این است که چنانچه زوجه به استناد اجرای حق حبس از تمکین در برابر زوج امتناع کند، تا مهریه را وصول نماید، در این صورت نزاع و چالش موجود چگونه مرتفع گردد؟

آنچه که در این خصوص بیان شده اینک، یقیناً نمی توان تا ابد منتظر ماند و همه آثار و احکام عقد نکاح را بلا تکلیف و بی اثر گذاشت، زیرا یکی از آثار مهم حق حبس موقتی بودن آن برای طرفین است، و اگر هر دو طرف بخواهند تا ابد از آن استفاده کنند، اثری برای عقد نکاح ایجاد نمی شود، و در واقع ذات نکاح مستهجن می گردد.

در این خصوص از سوی فقهاء و حقوقدانان نظراتی در این زمینه مطرح شده که عبارتند از:

- در صورتی که هریک از زوجین بخواهند از حق حبس استفاده کنند، و اجرای تکلیف یکی از آن دو منوط به دیگری باشد، در این صورت مهریه به فرد عادل و امینی سپرده می شود، و پس از اینکه زن در برابر زوج تمکین نموده است،

مهریه را به زن می دهند، این موضوع نوعی حاکمیت حاکم در جهت از بین بردن تنازع و اختلافات موجود خانوادگی، بین زوجین در اجرای حق حبس می باشد. (شیخ طوسی: ص ۱۴۱۶، ۳۱۶).

- از جمله احکام و آثار در عقود معاوضی این است که هریک از طرفین عقد معاوضی می توانند از تسلیم عوض امتناع نموده تا طرف مقابل اقدام کند، حال در صورتی که هریک از زوجین از تسلیم هریک از عوض خودداری کنند، حاکم شرعی طبق قاعده الحاکم ولی الممتنع هر دو طرف عقد را مجبور به تقابض همزمان می کند، به اینک مهریه را در نزد فرد عادل قرار میدهد، و به زن نمی دهد، وزن پس از تمکین، به دستور حاکم شرعی بر اساس قاعده فوق و رفع تنش و نزاع خانوادگی مهریه را به زوجه تسلیم می نمایند. (شهید ثانی: ص ۱۳۶، ۳۴۲).

البته شهید ثانی در کتاب مسالک نظر دیگری نیز بیان نموده است و آن اینک: زوج به تسلیم مهریه مجبور و به دنبال آن زن در برابر زوج تمکین می کند. (شهید ثانی: ص ۱۴۱۴، ۱۹۲).

- برخی دیگر از فقهای متأخر در خصوص حاکمیت قاعده فوق و رفع نزاع بین زوجین، در صورتی که هریک از حق حبس

استفاده می کنند، زوج ابتداء مهری دهد و به دنبال آن زن تمکین می کند، علت این امر این است که مال قابل جبران می باشد، ولی بضع زن قابل جبران نیست، و اگر ابتداء زن تمکین کند و مرد مهریه ندهد، جبران آن میسر نمی باشد. پس طبق قاعده فوق اول مرد اقدام نماید. (فاضل هندی: ص ۴۰۹، ۱۴۲۴).

نعم قدیشکل ذلک هنا بالنسبه الی الزوج فیما لو امتنع جميعا من التسليم حتی یقبض، ایداع المهر من یثاقن به فاذا وطاها قبضته، لان الوط فی النکاح هو القبض، اذ البضع لا یدخل تحت البید. قلت: هو مع ان الوضع فی یدالعل حکم علی الزوج لادلیل علی وجوب امتتاله بناء علی ثبوت الحق لکل منهما بمقتضى المعوضه. ومن هنا احتمل فی المسالک وکشف اللثام انه یجبر الزوج علی التسليم، لان فائت المال یستدرک دون البضع. (نجفی اصفهانی: ص ۴۲۰، ۱۳۶۵). در این متن اشاره شده است که صاحب جواهر معتقد است: مهریه در نزد فرد عادل قرار داده شود تا زن تمکین کند، و این موضوع جمع بین حقیقین است، ولی شهید ثانی و فاضل هندی معتقد هستند که: زوج بر تسلیم مهریه مجبور می شود.

در فقه فقهاء در مقام جمع بین حق شوهر و زن باین اشکال برخورد کرده اند که، اگر زن پیش از گرفتن مهر اجبار به تمکین شود و به دلیلی نتواند آن را از مرد بگیرد، حقی را از دست می دهد که جبران پذیر نیست، در حالی که از بین رفتن مهر با پول می توان جبران کرد، پس ناچار شده اید که از قواعد عمومی تجاوز کنند، و نخست شوهر را به دادن مهر مجبور سازد یا امینی باتوافق زوجین برگزیند، که مهر به او تسلیم شود و پس از تمکین زن، امین مهر را به او بدهد، بدین ترتیب در عمل شوهر ناگزیر است که مهریه را پیش از تمکین بپردازد. (کاتوزیان: ص ۱۳۸۵، ۱۲۷).

آنچه که در روایات و مستند شرعی در مورد حق حبس زوجین بیان شده است، لزوم به پرداخت مهریه زن قبل از دخول و تمکین است که حق حبس را نوعی تضمین در وصول مهریه و حمایت فقهی و حقوقی از زن می داند.

و به چند نمونه از این روایت اشاره می شود.

روایت اول: عن الفضیل بن یسار، عن ابی عبدالله (ع)، فی الرجل المرأه ولا یجعل فی نفسه ان یعطیها مهرها فهو زنا.

روایت دوم: عن علی بن فضال، عن بعض اصحابنا، عن ابی عبدالله (ع) قال: من امهر مهرائمه لاینوی قضاءه کان بمنزله السارق.

روایت سوم: محمد بن علی بن الحسین، قال: قال الصادق (ع): من تزوج امراه ولم ینو ان یوفیها صداقها فهو عبدالله زان. (شیخ حر عاملی: ص ۲۶۶، ۱۴۰۶). روایت سوم: ابوبصیر از حضرت امام صادق (ع) نقل کرده است: اِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ فَلَا یَجِلُّ لَهُ فَرْجُهَا حَتَّى یَسْوَ قَ إِلَيْهَا شَيْئًا دُرِّ هَمَّا فَمَا فَوْ قَهُ أَوْ هَدِيَّةً مِنْ سَوْ قٍ أَوْ غَيْرِهِ. (شیخ حر عاملی: ص ۲۵۴، ۱۴۰۶).

روایات نقل شده دلیل بر اینک: در صورت اجرای حق حبس اول زوج مهریه را پرداخت نماید و سپس زوجه تمکین کند.

بنابراین مهمترین راه حل فقهی در مورد حق حبس زوجین عبارت است از:

اول: زوج مجبور به تسلیم مهریه شود.

ثانی: زوجه ملزم به تمکین شود.

ثالث: هر دو همزمان ملزم به تسلیم و تسلیم شوند.

رابعاً: حاکم شرعی طبق قاعده الحاکم ولی الممتنع زوج را ملزم می کند که مهریه را در نزد فرد عادل دهد، و پس از نزدیکی، فرد عادل مهریه را به زن تسلیم نماید.

برخی از فقهاء معتقد هستند که ابتداء زوج ملزم به دادن مهریه به زن است و به دنبال آن زن در مقابل زوج تمکین کند، زیرا در این خصوص زن در حکم بائن و مرد در حکم خریدار است و بضع زن در مقابل مهریه است، از سوی دیگر مال یعنی مهریه قابل جبران است، ولی بضع زن قابل تدارک و جبران نیست. (شیخ طوسی: ص ۳۱۶، ۱۴۱۶).

برخی دیگر از فقهاء که یک نظر ضعیف در این خصوص است، ابتداء زن در برابر زوج تمکین نماید و سپس زوج در مقابل استمتاعی که از زوجه برده است، مهریه بدهد. (علامه

در صورتی که هریک از زوجین از تسلیم هریک

از عوض خودداری کنند، حاکم شرعی طبق قاعده

الحاکم ولی الممتنع هر دو طرف عقد را مجبور به تقابض

همزمان می کند، به اینک مهریه را در نزد فرد عادل

قرار میدهد، و به زن نمی دهد، وزن پس از تمکین، به

دستور حاکم شرعی بر اساس قاعده فوق و رفع تنش

و نزاع خانوادگی مهریه را به زوجه تسلیم می نمایند.

حلی: ص ۳۴۶، ۱۴۱۷).

برخی دیگر از حقوقدانان در این زمینه عقیده بر این است که هر دو به صورت متقابل در برابر یکدیگر (مهریه و بضع) همزمان تسلیم و تسلیم انجام شود. (امامی: ص ۳۹۷، ۱۳۷۶).

برخی دیگر از فقهاء که به نوعی نظر مشهور فقهاء در این زمینه می باشد و بر اساس قاعده قضائی الحاکم ولی الممتنع و جمع بین حقیقین صورت می گیرد اینک حاکم شرعی زوج را ملزم نموده که مهریه را در نزد فرد عادل و مطمئن قرار داده و زوج پس از وقوع نزدیکی با زوجه، فرد عادل با اذن حاکم شرعی مهریه را به زن بدهد که این حالت بهترین نظر و نوعی جمع بین حقیقین برای زوجین است. (نجفی اصفهانی: ص ۴۲۰، ۱۳۶۵).

بنابراین گرچه از سوی فقهاء نظرات و دیدگاههای مختلف بیان شده است، اما هدف از حکم شرعی تحقق عدالت شرعی برای هریک از زوجین و حفظ وصیانت خانواده است، در این موضوع یعنی استفاده از حق حبس که هریک از زوجین می توانند از حق حبس استفاده کنند، تا طرف دیگر اقدام نماید، نوعی جمع بین حقیقین است، و بهترین نظر قرار دادن مهریه نزد فرد عادل است.

نتیجه گیری

- ماهیت حق حبس در نکاح این است که زن می تواند تا مهریه به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد، امتناع کند، مشروط بر اینکه مهر حال باشد و این امر مسقط نفقه زوجه نیست.

- بارزترین مبانی فقهی حق حبس نکاح، عدالت و انصاف که نظر کاتوزیان و جعفری لنگرودی و همبستگی تعهدات یا همان اصل دفاع متقابل در برابر یکدیگر که نظر مشهور فقهاء از جمله شهید ثانی و صاحب ریاض و صاحب جواهر است و بنای عقلایی که نظر امام خمینی (ره) در این زمینه بیان نموده اند.

- مشهور فقهای امامیه حق حبس در نکاح را پذیرفته اند و معتقدند: زن می تواند از این حق استفاده کند، یعنی زن از تمکین در برابر زوج امتناع و خودداری نماید، تا مهریه را وصول کند، ادله و مستندات شرعی این گروه از فقهاء علاوه بر اجماع، روایت عام مانند: لاضرر و لاضرر و روایت خاص و معاوضی بودن نکاح که مهریه زن در مقابل بضع زن می باشد، بر این حکم فقهی دلالت می کند. همچنین در مقابل این نظریه گروه دیگری از فقهاء از جمله: مرحوم تفرشی، مرحوم میرزای قمی، مرحوم بحرانی، مرحوم اردبیلی معتقدند: زن جهت وصول مهریه حق حبس ندارد و ادله این دسته از فقهاء این است که نص خاصی در این زمینه نیست و از سوی دیگر بعد از وقوع نکاح هریک از زوجین مکلف به انجام تکالیف در مقابل یکدیگر هستند.

- مهمترین آثار حق حبس در نکاح تطبیق اجرای تعهدات

و اینکه حق حبس برای زوجه امتیاز محسوب نمی شود.

- تفاوت حق حبس در بیع با حق حبس در نکاح اینک: حق حبس در بیع با عنوان اصل و قاعده است ولی حق حبس در نکاح

استثناء بر قاعده است، و نیز در اجرای حق حبس در بیع که هریک از طرفین عقد بیع یعنی بائع و مشتری هر دو می توانند از حق حبس استفاده کنند، ولی در نکاح حق حبس بر اساس نظرات

مشهور فقهاء و آنچه که در متون فقهی بیان شده است، زوجه می تواند از این حق استفاده نماید، همچنین حق حبس

در عقد بیع در عقود معاوضی محض اعمال می شود، ولی حق حبس در نکاح به صورت شبه معاوضی است، ادله و مستندات

شرعی آن علاوه بر اجماع علماء روایت عام

- قاعده الحاکم ولی الممتنع یک قاعده قضائی محض است که مهمترین شرایط اجرای آن احراز امتناع از پرداخت دین و حقوق

دیگران و وجود حاکم و مطالبه حق از سوی صاحب حق است. - قاعده الحاکم ولی الممتنع غالباً در موضوع عقود معاوضی

مانند: بیع و شبه معاوضی مانند: نکاح و نیز در بحث دین و تعهدات که متعهدله از اجرای تعهد به نفع متعهدله امتناع کند، جاری می شود.

- مهمترین ادله و مستندات فقهی قاعده الحاکم ولی الممتنع روایت عام و خاص و بنای عقلایی و قاعده لاضرر است.

- بهترین نظریه فقهی در خصوص ارتباط قاعده الحاکم ولی الممتنع با حق حبس زوجه در جهت رفع تنش و نزاع بین

زوجین اینک: مهریه در نزد فرد عادل قرار داده و پس از وقوع نزدیکی، مهریه به زن اعطاء گردد.

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی،

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نی ریز.

** استاد بار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی،

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، ایران

** استاد بار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی،

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، ایران.

رئیس دادگستری تهران مطرح کرد

مسئله کمبود شدید کادر اداری و قضایی از مشکلات اساسی موجود دادگستری

دومین نشست تعاملی مسئولان قضایی دادگستری استان تهران با نمایندگان مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با حضور رئیس کل دادگستری استان تهران برگزار شد.

دومین نشست تعاملی مسئولان قضایی دادگستری استان تهران و نمایندگان استان تهران در مجلس شورای اسلامی با حضور علی القاصی رئیس کل دادگستری استان تهران برگزار شد.

علی القاصی بیان کرد: تشکیلات قضایی و دادگستری استان تهران مأموریت‌های بسیار مهمی در حوزه‌ها و بخش‌های مختلف، عهده دار می‌باشد که برخی از آن‌ها اختصاصی و ویژه استان تهران بوده و از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

وی افزود: صلاحیت‌هایی که قانون گذار برای دادگستری استان تهران قرار داده متمایز با دادگستری‌های دیگر استان‌ها است.

رئیس کل دادگستری استان تهران با بیان اینکه از نظر کمی بیش از یک‌چهارم پرونده‌های کشور هم از نظر ورودی و هم در بحث مانده مرتبط به دادگستری کل استان تهران است و پرونده‌های متشکله در تهران چه از حیث کمی و چه از نظر محتوا و موضوعات قابل رسیدگی، قابل توجه می‌باشد، بطوریکه بیش از ۲۵ درصد پرونده‌های کشور مرتبط به دادگستری استان تهران است.

القاصی تصریح کرد: صرف نظر از کمیت پرونده‌ها موضوعات گوناگونی نیز در دادگستری استان تهران مطرح می‌شود که جنبه ملی و بین‌المللی دارد.

وی افزود: مسائل مهم کلان اقتصادی و جرائم مهمی که مربوط به اخلاف در نظام اقتصادی کشور، مسایل مهم امنیتی و جرایم مربوط به فضای مجازی است، در تهران رسیدگی می‌شود.

رئیس دادگستری تهران: مسئله کمبود شدید کادر اداری و قضایی از مشکلات اساسی موجود در دادگستری استان است/ لزوم حمایت نمایندگان مجلس شورای اسلامی از قانون برنامه هفتم/ القاصی: رویکرد ما تعامل حداکثری با منتخبان و وکلای مردم است

وی افزود: تشکیلات قضایی نسبت به پشتیبانی خاص، تقویت و توسعه از نظر نیروی انسانی و از جهت کمبودها در این رابطه در مجموعه دادگستری استان تهران نیازمند امکانات است.

رئیس کل دادگستری استان تهران تصریح کرد: در حال حاضر یکی از مشکلات در دادگستری استان، مسئله کمبود شدید کادر اداری و قضایی است. به طوری که در واحدهای قضایی شعبی بلاتصدی است.

وی افزود: دادگاه‌های تجدید نظر ساختارش برای ۱۵۹ شعبه تعریف شده، اما در حال حاضر در این حوزه حدود ۸۶ شعبه فعال است علت این امر نیز به دلیل عدم برخورداری از نیروی قضایی است.

القاصی با بیان اینکه از نظر کادر اداری وضعیت مناسبی نداریم، ادامه داد: پیگیری‌هایی از مجلس شورای اسلامی کردیم تا از نظر بودجه و اعتبارات مصوب دستگاه قضایی تقویت شود که حمایت نمایندگان مجلس شورای اسلامی به ویژه کمیسیون برنامه و بودجه را در این خصوص می‌طلبد.

وی با بیان اینکه در حال حاضر تعداد زیادی از پروژه‌های اداری دادگستری استان تهران به علت عدم تخصیص اعتبار بلاتکلیف مانده است، گفت: بسیاری از اماکن دادگستری استان امانی یا استیجاری هستند یا فضای فیزیکی‌شان در خور شان مردم نیست و برای برون رفت از این وضعیت که



برخی از آن‌ها زمینه اطلاع دادرسی و فضای مناسب برای تکریم مراجعین و مردم را ایجاد کرده است موجب نارضایتی مردم از دستگاه قضایی می‌شود.

رئیس کل دادگستری استان تهران با اشاره به طرح قانون برنامه هفتم در مجلس شورای اسلامی و با بیان دلایل ضرورت طرح، اظهار کرد: این طرح می‌تواند با حمایت نمایندگان مجلس و پس از تصویب بخشی از مشکلات دستگاه قضایی را مرتفع کند.

رئیس دادگستری تهران: مسئله کمبود شدید کادر اداری و قضایی از مشکلات اساسی موجود در دادگستری استان است/ لزوم حمایت نمایندگان مجلس شورای اسلامی از قانون برنامه هفتم/ القاصی: رویکرد ما تعامل حداکثری با منتخبان و وکلای مردم است

القاصی با اشاره به تاکیدات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و دستور ریاست قوه قضاییه مبنی بر هم‌افزایی میان مسئولان و تعامل مناسب دستگاه‌ها تصریح کرد: در هفته‌های اخیر با حضور مدیران دستگاه‌های اجرایی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در شهرستان‌های مربوطه و مدیران سازمان‌های تابعه قوه قضاییه در بحث حمایت از تولید کنندگان با حضور میدانی تلاش شد تا اقداماتی اثر بخش صورت گیرد و اراده جدی بر رفع مشکلات این واحدها داریم. وی افزود: با فعال شدن ستاد اجرای سیاست‌های اقتصادی مقاومتی در دادگستری استان تهران و با حضور در واحدهای صنعتی مشکلات و نقطه نظرات صنعت گران را دریافت کردیم و حل این موارد جزء اولویت‌های برنامه‌های دادگستری استان محسوب می‌شود.

رئیس کل دادگستری استان تهران اظهار کرد: در موضوع تعامل با نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سال گذشته نشست مشترکی برگزار شد و در این بازه زمانی تلاش شد تا پیگیری مصوبات با رویکرد تعامل حداکثری با نمایندگان به عنوان منتخبان و وکلای مردم صورت پذیرد.

وی افزود: تاکید مجموعه دادگستری استان تهران بر برقراری ارتباط نزدیک با نمایندگان مجلس است و سعی کردیم پاسخ لازم به مطالبات و مکاتبات نمایندگان داشته باشیم به ویژه برقراری این ارتباط با کمیسیون اصل ۹۰ و هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز همواره وجود دارد.

القاصی با اشاره به جنبه دیگری از تعامل میان دستگاه قضایی و مجلس شورای اسلامی، بیان کرد: آرای قضات در دادگاه‌ها در پرونده‌های قضایی، براساس قانون و مصوبات مجلس شورای اسلامی صادر می‌گردد و این موضوع اهمیت ارتباط و تعامل میان هر دو قوه را برای تبادل تجربیات و حذف خلاهای قانونی، مبرهن می‌سازد.

القاصی گفت: امروز اگر خواستار مبارزه جدی با مفاسد اقتصادی در تمام لایه‌ها هستیم که جزء مطالبات و تاکیدات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می‌باشد، بخشی از آن می‌تواند توجه به پیشنهادات فنی و تخصصی که توسط دستگاه قضایی جمع بندی شده و حاصل نظرات همکارانی است که طی سال‌ها تجربه در بحث موضوعات رسیدگی به جرایم اقتصادی و خلاءهای قانونی در این حوزه، کسب کرده اند.

وی افزود: این پیشنهادات که به نمایندگان مجلس و اعضای کمیسیون‌های مربوطه ارسال شده است، می‌تواند در تصویب قانونی جامع برای مبارزه جدی با فساد موثر و مفید واقع شود.

رئیس کل دادگستری استان تهران بر ضرورت بهره‌مندی دستگاه قضایی به عنوان متولی مبارزه با فساد از یک دستگاه حفاظتی و نظارتی، با پشتوانه مناسب قانونی و ضمانت‌های اجرایی لازم تاکید کرد.

القاصی با اشاره به استقبال دادگستری کل استان تهران از بازدید نمایندگان مجلس شورای اسلامی از مجتمع‌های قضایی، ضمن دعوت از نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای بازدید از مجتمع‌های قضایی استان تهران، گفت: می‌توانیم با توجه به حوزه‌های تخصصی نمایندگان، بازدید از مجتمع‌هایی با موضوعات مرتبط برنامه ریزی شود تا نمایندگان و اعضای کمیسیون‌های تخصصی مجلس از مجتمع‌های تخصصی قضایی در تهران بازدید کنند و در نشست‌های مشترک با قضات رسیدگی کننده، برخی مسائل و مشکلات مطرح و امکان تبادل تجارب بیشتر فراهم شود.

وی گفت: آمادگی داریم در سایر بخش‌ها از قبیل مسائل تجاری، اجتماعی و ... نیز تجربیات و آسیب شناسی قوانین را در اختیار نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی قرار دهیم.

القاصی با اشاره به بررسی قانون بانک مرکزی در صحن مجلس شورای اسلامی، گفت: بانک مرکزی مستقل که توازن قدرت در آن رعایت شده باشد زمینه ایجاد یک نظام اقتصادی و یک نظام بانکداری کارآمد و موثر را فراهم می‌کند تا بتواند بخشی از مشکلات امروز در جامعه را رفع کند.

در ادامه جلسه حجت الاسلام والمسلمین سید رضا تقوی رئیس مجمع نمایندگان تهران در مجلس شورای اسلامی به طرح مشکلات موجود در شهر تهران اعم از حوزه بهداشت، ساختمان‌های نایمن، کمبود کلانتری‌ها در پایتخت، حریم شهر تهران و ... پرداخت.

حجت الاسلام والمسلمین تقوی ضمن تشکر از دادگستری کل استان تهران به دلیل انجام خدمات و رسیدگی به پرونده‌های قضایی، بر ادامه این ارتباط و تعامل مجلس و مجموعه دادگستری و دستگاه قضایی تاکید کرد.

در ادامه جلسه نمایندگان شهر تهران در مجلس شورای اسلامی به طرح موضوعات و مشکلات و همچنین دغدغه‌های مردم و مجلس پرداخته و موارد را به سمع و نظر ریاست دادگستری کل استان تهران رساندند.

همچنین در این نشست مرتضی تورک معاون قضایی رئیس کل و رئیس حوزه ریاست دادگستری استان تهران به عنوان نماینده و رابط دادگستری استان تهران با نمایندگان مجلس شورای اسلامی معرفی شد.

مسئولان قضایی دادگستری کل استان تهران حاضر در جلسه نیز به بیان مسائل و موضوعات مرتبط با حوزه‌های مختلف دستگاه قضایی پرداختند.

حضرت علی (ع):
اطمینان به هرکس پیش از آزمودن او
کار مردم ناتوان است

صاحب امتیاز:
مرکز و کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده
مدیر مسئول: حسن عبدلیان پور
زیر نظر شورای سیاست گذاری
رئیس شورای سیاست گذاری و سردبیر: منصور مظفری
آدرس: تهران - پلوار نلسون ماندلا
کوچه گلنم پلاک ۵۴، تلفن: ۰۲۱-۲۳۰۵۵۱۱۱
امور آگهی‌ها و ارتباط با هفته‌نامه:
۰۹۰۲۳۰۵۵۱۲۳
توزیع: موسسه نشر گستر امروز ۶۶۲۸۳۲۴۴
چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۸۲۸۱۴
hamiedalat99@gmail.com

لایحه حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب به ایستگاه مجلس شورای اسلامی رسید

دستگاه قضائی در برخورد با کشف حجاب، رویکردی اجتماعی و پیشگیرانه را دنبال میکند

توسط مرجع ذیصلاح تعطیل خواهند شد. در بخش دیگری از این لایحه تاکید شده، صاحبان و مدیران واحدهای مذکور مکلف هستند به منظور پیشگیری از جرم کشف حجاب توسط مراجعان و مشتریان خود، اقدامات لازم را از قبیل نصب تابلو و تذکر انجام دهند و چنانچه از این کار خودداری کرده و موجب تردد یا تجمع افرادی شوند که حجاب را رعایت نمیکنند مشمول جرایم و مجازات هایی که به آن ها اشاره گردید خواهند شد.

تشدید مجازات برای افراد مشهور و تاثیرگذار

وضعیت عفاف و حجاب افراد مشهور و تاثیرگذار یکی دیگر از محورهای لایحه پیشنهادی به مجلس است.

در این خصوص در لایحه مذکور آمده است: «هرگاه اشخاصی که به واسطه فعالیت های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، هنری یا ورزشی دارای شهرت و تاثیرگذاری اجتماعی هستند، مرتکب جرم کشف حجاب شوند مجازات آنان حسب مورد یک درجه تشدید شده و نیز به محرومیت از فعالیت حرفه ای به مدت ۳ ماه تا یک سال توسط مراجع مربوط محکوم میشوند»

در ماده ۴ لایحه پیشنهادی نیز تصریح شده اشخاصی که در فضای مجازی مبادرت به تبلیغ علیه حجاب کنند فرجا در مرتبه اول علاوه بر حذف صفحه یا صفحات وبگاه یا پایگاه اطلاع رسانی به آنان تذکر می دهد و چنانچه مرتکب به فعالیت خود ادامه دهد در مرتبه دوم علاوه بر حذف صفحه یا صفحات وبگاه یا پایگاه اطلاع رسانی و محرومیت از دریافت خدمات اینترنتی به مدت سه ماه تا شش ماه به حداکثر جریمه نقدی درجه هشت نیز محکوم می شود و در مرتبه سوم مرتکب به مراجع قضائی معرفی خواهد شد

اهانت و نقض حریم خصوصی بانوانی که حجاب را رعایت نمی کنند، ممنوع

لایحه پیشنهادی از سمت قوه قضائیه که تذکر، جریمه های نقدی و برخی محرومیت ها از خدمات اجتماعی را برای مرتکبین جرم کشف حجاب در نظر گرفته از سوی دیگر در ماده ۶ خود تاکید کرده هیچ کس حق اهانت به این افراد را ندارد. در این ماده آمده: «هیچ کس حق ندارد تحت عنوان امر به معروف و یا نهی از منکر نسبت به بانوانی که حجاب شرعی را رعایت نکرده اند مرتکب اعمال مجرمانه از قبیل توهین، افتراء، تهدید و یا ضرب و جرح و یا نقض حریم خصوصی آنان شوند و در صورت اقدام به مجازات مقرر در قانون محکوم خواهد شد» در بخش های دیگری از این لایحه اقدامات سازمان یافتهی خلاف فرهنگ عفاف در کشور مورد توجه جدی قرار گرفته و برای آن مجازات هایی در نظر گرفته شده است. لایحه پیشنهادی همچنین به موضوعاتی همچون واردات، تولید و توزیع لباسهای منافی عفت عمومی نیز توجه کرده و برای مرتکبین این گونه جرایم نیز مجازات هایی پیش بینی کرده است.



■ فن آوری های نوین و سامانه های هوشمند جایگزین روش های قبلی در برخورد با جرم کشف حجاب

■ تذکر و جریمه های نقدی مجازات های پیشنهادی این لایحه هستند

■ تشدید مجازات برای افراد مشهور و تاثیرگذار

■ اهانت و نقض حریم خصوصی بانوانی که حجاب را رعایت نمیکنند، ممنوع

پیش بینی نموده است. بر این اساس جرم کشف حجاب توسط کارمندان دستگاه های دولتی تا ۳ مرتبه از طریق ساز کارهای نظارتی دستگاه مربوطه مورد پیگیری و پیگرد قرار خواهد گرفت و متخلف در مرتبه چهارم به مراجع قضائی معرفی خواهد شد همچنین مراجع کنندگان به دستگاه های دولتی و عمومی نیز چنانچه مرتکب جرم کشف حجاب شوند از دریافت خدمات اداری آن دستگاه محروم خواهند شد. تبصره یک ماده ۲ این لایحه تصریح می کند: «رعایت حجاب برای مراجعان به دستگاه های مذکور الزامی است و ارائه خدمات اداری به آنان حسب مورد در دستگاه های مذکور منوط به رعایت مقررات این قانون خواهد بود» در این لایحه جهت نظارت بر وضعیت فرهنگ عفاف و حجاب در اماکن غیر دولتی مانند فروشگاهها، رستورانها، سینماها و اماکن ورزشی، تفریحی و هنری نیز تمهیداتی پیش بینی شده است.

در صورت انجام جرم کشف حجاب در این اماکن در مرتبه اول اخطار تعطیلی به آنان داده خواهد شد و در مرتبه دوم تا یک هفته و در مرتبه سوم تا دو هفته اماکن یا واحدهای مربوطه توسط ضابطین فراجا و یا حسب مقررات صنفی

لایحه تدوین شده از سمت قوه قضائیه در خصوص حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب پس از طی مراحل قانونی و تصویب در هیات دولت به مجلس شورای اسلامی ارسال شد.

هرچند در نظام حقوقی ایران و در قوانین مدونی همچون قانون مجازات اسلامی و قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر (مصوب سال ۱۳۹۴) پیش بینی های مناسبی در جهت حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب و بنیاد خانواده صورت گرفته است، اما برخی از اقتضائات و نیازهای روز ایجاب میکرد قوانین جدید و با رویکردهای متفاوتی در این زمینه تصویب شوند

بر همین اساس قوه قضائیه به عنوان یکی از متولیان برخورد با رفتارهای هنجارشکن و خلاف قانون، با توجه به نیازهای روز فضای اجتماعی کشور لایحه

حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب را پس از مشورت صورت گرفته با سایر مسئولین و قوا و همچنین کارشناسان و متخصصان امر، تدوین و آن را به دولت ارسال نمود.

دولت نیز پس از بررسی های کارشناسی انجام شده این لایحه را به مجلس شورای اسلامی فرستاده تا مورد بررسی نمایندگان مردم قرار گیرد

در لایحه حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب که رویکردی اجتماعی و پیشگیرانه دارد و به صورت هوشمند و با استفاده از فناوری های نوین اعمال خواهد شد، کشف حجاب سر توسط بانوان، برهنگی بدن و پوشیدن لباس های نازک بدن نما جرم انگاری شده و مرتکبین این جرم پس از شناسایی از طریق سامانه های هوشمند تا ۳ بار مورد تذکر و جریمه های نقدی قرار گرفته و در صورت تکرار جرم برای بار چهارم به مرجع قضائی معرفی خواهند شد.

همچنین در این لایحه پیش بینی شده چنانچه جرم کشف حجاب در خودرو انجام شود، پس از دو بار تذکر و جریمه مالی در مرتبه سوم علاوه بر جریمه، وسیله نقلیه به مدت هفت روز به صورت الکترونیک توقیف گردد.

تذکر به مالکان خودروهایی که در آنها جرم کشف حجاب صورت گیرد توسط فراجا و از طریق سامانه های هوشمند انجام میشود.

در یکی از تبصره های مربوط به این بخش که رویکردهای پیشگیرانه لایحه را تقویت می کند آمده: «چنانچه مرتکب پس از ابلاغ تذکر یا جریمه در مهلت اعتراض و یا رسیدگی به آن ظرف یک هفته پس از ابلاغ نتیجه اعتراض از طریق سامانه، متعهد به عدم تکرار تخلف شود، فقط برای یک بار، تذکر و جریمه ابلاغی منتفی و از اقدامات مذکور در این مرحله رفع اثر خواهد شد»

نظارت بر وضعیت اماکن یکی از نقاط ثقل لایحه پیشنهادی

لایحه پیشنهادی از سوی قوه قضائیه نظارت بر وضعیت حجاب در اماکن دولتی، عمومی و غیردولتی را به عنوان یکی از نقاط ثقل تقویت فرهنگ عفاف در جامعه در نظر گرفته و به همین منظور، ساز و کارهای قانونی خاصی را